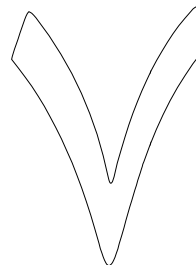


جایگاه شرکای ایران در دیپلماسی تجاری



* یحیی فتحی

** رضا پاکدامن

* یحیی فتحی عضو هیئت علمی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی می‌باشد.
(yahya.fathi@gmail.com)

** رضا پاکدامن کارشناس ارشد علوم سیاسی می‌باشد. (y.fathi@itsr.ir)
مقاله حاضر حاصل بخشی از طرح پژوهشی «رتبه‌بندی کشورهای طرف تجاری (بالفعل و بالقوه)
ایران بر مبنای مولفه‌های دیپلماسی تجاری» می‌باشد.

تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱/۱۷

فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹، صص ۲۵۱-۲۰۱.

چکیده

یکی از نیازهای هر کشور به منظور اتخاذ سیاست تجاری مناسب، آگاهی از جایگاه کشورهای طرف تجاری و اولویت هر کشور در برقراری روابط تجاری است. اما از آنجاکه اکثر شیوه‌های رتبه‌بندی کشورها از لحاظ سیاسی توسط نهادهای غربی صورت می‌گیرد، احتمال می‌رود که گرایش سیاسی کشورهای غربی در این محاسبات، چه در تعیین شاخص‌ها و چه در تعیین امتیاز هر یک از عوامل تأثیرگذار، بی‌تأثیر نباشد. لذا لازم است که هر کشور، در ارزیابی‌های بین‌المللی، با احتیاط از آمار و اطلاعات مراکز علمی و تحقیقی بین‌المللی استفاده کند و ویژگی‌ها و منافع مختص خود را در نظر گیرد. بر این اساس، در بررسی عوامل سیاسی مؤثر در تعیین طرف‌های تجاری برای کشور ما، لازم دیده شد با در نظر گرفتن منافع ملی کشور، شاخص‌های مستقلی برای جمهوری اسلامی ایران طراحی شود. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که، می‌توان با بهره‌گیری از مؤلفه‌ها و ابزارهای دیپلماسی تجاری، روابط خارجی کشور را به نحوی توسعه داده و عمق بخشید که این روابط، با توجه به اصل تعیین‌کنندگی عوامل اقتصادی در برقراری روابط تجاری در سطح بین‌المللی و تعاملات موجود کشورهای جهان، منافع ملی کشور را در بُعد توسعه روابط اقتصادی - تجاری تأمین کند.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی تجاری، شرکای تجاری، رتبه‌بندی کشورها، طرف‌های تجاری ایران



مقدمه

توفیق هر دیپلماسی تجاری مبتنی بر ترسیم چشم‌انداز درستی از منافع ملی هر کشور در سطح منطقه و جهان است. در این میان فراهم بودن بسترها و زمینه‌های تعامل دیپلماسی تجاری هر کشور با طرف‌های تجاری، بدون شک در شکل‌گیری یک دیپلماسی تجاری موفق و جهت‌گیری‌های آینده آن مؤثر است؛ چراکه این امکان را برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در حوزه سیاست خارجی و بازرگانی فراهم می‌سازد تا در تدوین استراتژی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت، نگاه جامع به روابط دوجانبه و منطقه‌ای داشته و پیشاپیش برای حفظ و تقویت موقعیت تجاری و اقتصادی کشور براساس منافع ملی برنامه‌ریزی کنند. بدین ترتیب یک دیپلماسی تجاری موفق در شرایط خوش‌بینانه می‌تواند موجب رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها از طریق گستردگی حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان آزاد سرمایه و نیروی کار و همچنین دسترسی سهل‌تر به فناوری شود. یکی از نمونه‌های بارز دیپلماسی تجاری، مربوط به کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. از مشخصه‌های اصلی دیپلماسی تجاری این دسته از کشورها، ادغام وسیع و عمیق اقتصادهای ملی کشورهای عضو از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم و جریان‌های دیگر سرمایه و افزایش مناسب و سیال شدن بازارهای سرمایه بین‌المللی کشورهای عضو اتحادیه اروپا است.

دیپلماسی تجاری اساساً مقوله‌ای است که از یک‌سو نیازمند فضای همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی با سایر طرف‌های تجاری و از سوی دیگر مستلزم آمادگی طرف‌های تجاری برای قبول تعهدات و الزامات خاص مربوط به آن است.



در این مقاله تلاش شده است، با کمک گرفتن از مبانی نظری و مطالعات انجام شده و با ارائه روش و الگویی جدید، به تعیین طرف‌های تجاری ایران براساس مؤلفه‌های دیپلماسی تجاری پرداخته شود، تا از این طریق آن دسته از کشورهایی که از نظر اصول و معیارهای دیپلماسی تجاری از مناسب‌ترین شرایط و ویژگی‌ها برای برقراری روابط تجاری سودمند در راستای منافع ملی کشور برخوردار هستند، به عنوان شرکای تجاری حائز اولویت در برقراری روابط تجاری خارجی ایران شناسایی و معرفی شوند.

ادبیات موضوع

برخلاف گذشته که دیپلماسی محدوده خاص سیاستمداران تلقی می‌شد و عمدتاً به مسائل سیاسی می‌پرداخت، اکنون در دنیایی که با مفاهیمی چون جهانی شدن و وابستگی متقابل توصیف می‌شود، نه تنها بازیگران درگیر در دیپلماسی افزایش یافته‌اند، بلکه موضوع‌های دیپلماسی هم گسترش یافته و در این رهگذر جنبه‌های غیرسیاسی دیپلماسی برجسته‌تر شده و از جمله «دیپلماسی تجاری» وزن بیشتری یافته است. از سوی دیگر، خود مفهوم «دیپلماسی تجاری» هم از مضامین سنتی مثل تعرفه‌ها و سهمیه‌های وارداتی فراتر رفته و طیف بسیار وسیعی از مسائل مرتبط با تجارت را دربر می‌گیرد. براساس این ملاحظات، در بخش آغازین این مقاله سعی می‌شود، ضمن بررسی تعاریف مختلف دیپلماسی، تعریفی از دیپلماسی تجاری ارائه شود که بتواند ابعاد مختلف آن را در دنیای پسامدرن حاضر بازنماید.

تعریف دیپلماسی تجاری

یکی از ویژگی‌های بارز دنیای معاصر این است که جهانی شدن و وابستگی متقابل باعث پیوند دو حوزه داخلی و خارجی، کثرت بازیگران و مجاری تعامل بین‌المللی، پیوند سطوح تحلیل و عمل مختلف و کثرت و پیوند حوزه‌های موضوعی مختلف شده است. بر این اساس، تعریف ما از دیپلماسی تجاری هم باید چنان گسترده و جامع باشد که بتواند کلیه تحولات و عناصر مذکور را پوشش دهد. (فتحی، ۱۳۸۸ ب)

به‌طورکلی، دیپلماسی تجاری یعنی دیپلماسی یا سیاستی که به اداره و هدایت روابط تجاری بین‌المللی می‌پردازد؛ ولی با استفاده از تعریف وسیعی که در بالا

درباره دیپلماسی ارائه شد، دیپلماسی تجاری را هم می‌توان چنین تعریف کرد: «در دیپلماسی تجاری، کشورها با توجه به توانایی‌ها و منافع ملی اقتصادی خود می‌کوشند تا در قالب استراتژی‌های خاصی (مثل استراتژی‌های جایگزینی واردات یا توسعه صادرات) به تعقیب اهداف خاص و عملیاتی (مانند توسعه صادرات یا جذب سرمایه‌گذاری خارجی) با استفاده از ابزارهای خاصی (نظیر ابزارهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای) بپردازند.

شایان ذکر است که فرایند جهانی‌شدن و گسترش روابط کشورها باعث شده است که دیپلماسی تجاری، دیگر تنها به ابزارهای تجاری سنتی یا موانع تجاری مرزی مثل تعرفه‌ها و سهمیه‌های وارداتی محدود نشده و طیف بسیار وسیع‌تری از مقررات و اقدام‌های مؤثر بر تجارت بین‌الملل از جمله استانداردهای مختلف در مورد کار، بهداشت، محیط‌زیست و حمایت از مصرف‌کنندگان؛ مقررات مربوط به فعالیت‌های خدماتی مثل بانکداری، ارتباطات راه دور و غیره؛ اقدامات حمایتی اعم از کشاورزی و صنعتی؛ حقوق مالکیت فکری؛ سیاست رقابتی؛ ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری؛ مقررات مربوط به فساد و ارتشا؛ و غیره را دربرگیرد (Feketekuty, 2007: 2). بدین ترتیب، اکنون دیپلماسی یا سیاست تجاری از واردات کالا بسیار فراتر رفته و نظام قانون‌گذاری داخلی کشورها را هم نشانه می‌گیرد و به همین دلیل، تدوین و پیشبرد یک دیپلماسی تجاری به هماهنگی جدی بین نهادها و حوزه‌های مرتبط نیاز دارد.

رابرت کوهن و جوزف نای که معروف‌ترین نظریه‌پردازان وابستگی متقابل هستند، یکی دیگر از شرایط یا ویژگی‌های وابستگی متقابل در دنیای حاضر را سست شدن سلسله‌مراتب سنتی حوزه‌های موضوعی مختلف و کاهش اولویت مسائل امنیتی - نظامی می‌دانند. از نظر آنها، در شرایط وابستگی متقابل، امنیت نظامی اهمیت درجه اول خود را از دست داده و تعداد حوزه‌های موضوعی و مسائل مرتبط با سیاست خارجی بسیار افزایش یافته است. بر این اساس، در شرایط وابستگی متقابل از نیروی نظامی چندان استفاده نمی‌شود، گو اینکه در شرایط دیگر - شرایط حادی که مسئله مرگ و زندگی مطرح باشد یا تغییری انقلابی یا منازعه شدیدی رخ دهد - امکان توسل به آن وجود دارد. به عبارت دیگر، کاربرد نیروی نظامی، گران و

نامطمئن است و به دلیل قدرت تخریب سلاح‌های هسته‌ای، احتمال توسل به زور نسبت به گذشته کاهش یافته است. روی دیگر این کاهش اولویت مسائل امنیتی - نظامی (سیاست عالی)^۱، افزایش اولویت مسائل یا حوزه‌های کارکردی به‌ویژه مسائل اقتصادی و تجاری (سیاست عادی) است (Feketekuty, 2007: 22-33). بدین ترتیب، یکی از ویژگی‌های شرایط وابستگی متقابل، تفوق «سیاست عادی» بر «سیاست عالی» است، مسئله‌ای که امروزه باید در تدوین سیاست خارجی مورد توجه فراوان قرار گیرد، و اینجاست که نقش دیپلماسی تجاری برجسته می‌شود.

کارکردها و وظایف دیپلماسی تجاری

دیپلماسی تجاری معمولاً به دو روش تعریف می‌شود. در روش نخست که بیشتر جنبه کلی دارد، دیپلماسی تجاری زیرمجموعه‌ای از دیپلماسی اقتصادی است، بدین معنی که دیپلماسی اقتصادی مربوط به موضوع‌های سیاست کلان اقتصادی بوده و به دنبال تأمین اهداف و منافع توسعه‌ای کشور است و مسائلی از قبیل ثبات اقتصادی، امنیت غذایی، تأمین مسکن، مبارزه با فقر، حفظ محیط زیست، بهداشت و سلامت جامعه، آموزش، اشتغال‌آفرینی، سرمایه‌گذاری، سیاست‌های صنعتی، قانون رقابت، و منطقه‌گرایی، از مقوله‌هایی هستند که مورد توجه دیپلمات‌های اقتصادی قرار می‌گیرند (Berridge & James, 2001: 93). درحالی‌که در نگرش دوم، دیپلماسی تجاری به سطح خرد روابط پرداخته و موضوع اصلی، میزان و نحوه صادرات و واردات، سهم کشور از تجارت بین‌الملل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و دیپلمات‌های تجاری ضمن توجه به سایر موضوع‌های مطرح در دیپلماسی اقتصادی، فعالیت‌های خود را عمدتاً بر مسائل تجاری متمرکز می‌کنند (Kopp, 2004: 38).

نخستین وظیفه دیپلماسی تجاری «تنظیم سیاست‌های تجاری» به نحوی است که بتواند ضامن اهداف یادشده باشد. از قرن نوزدهم که کشورهای غربی توانستند به برکت انقلاب صنعتی به تولید انبوه کالاها دست یابند در پی آن برآمدند که دسترسی به بازارهای خارجی را برای محصولات خویش ممکن سازند و درعین حال با در پیش گرفتن سیاست‌های حمایتی، مانع از آن شوند که تولید

محصولات ملی در رقابت با کالاهای خارجی کاهش یابد و به دنبال آن سطح اشتغال و رفاه جامعه تحت الشعاع قرار گیرد. مطالعه سیاست‌های تجاری کشورهای پیشرفته، مؤید این نظر است که آنان از هیچ تلاشی برای افزایش صادرات خود چشم‌پوشی نکرده‌اند، اما ضمن تبلیغ آزادسازی تجاری، خود در مراحل اولیه توسعه، سیاست‌های حمایت‌گرایانه چشم‌گیری داشته و به تدریج برای افزایش رقابت و ارتقای کیفیت محصولات داخلی دست به آزادسازی در بخش‌های غیرحساس زده‌اند.

وظیفه دوم دیپلماسی تجاری «نهادینه کردن روابط و مبادلات بازرگانی با شرکای تجاری» است. امضای موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی، تجارت آزاد یا اتحادیه‌های گمرکی به صورت دو یا چندجانبه می‌تواند به معنای تضمین منافع بلندمدت تجاری و درگیر کردن شرکای بازرگانی در مسائل توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور باشد. دیپلماسی تجاری برای اینکه به هدف افزایش و متنوع‌سازی صادرات دست یابد، باید تلاش کند از طریق موافقت‌نامه‌های بازرگانی، زمینه اتصال تولیدکنندگان ملی به زنجیره‌های ارزش و شبکه‌های توزیع بین‌المللی را فراهم کرده و اتحاد و ائتلاف شرکت‌های کوچک و متوسط داخلی را با شرکت‌های بزرگ چندملیتی ممکن سازد.

سومین وظیفه دیپلماسی تجاری «حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی» است که وظیفه قانونمند کردن تجارت بین‌الملل را به عهده دارند و قسمت اعظم تجارت جهانی توسط اعضای آنان صورت می‌گیرد. هرچند کشورهای که صادرات بیشتر و متنوع‌تری دارند در چنین سازمان‌هایی از امکان تأثیرگذاری بیشتری برخوردارند، ولی نباید فراموش کرد که چون بسیاری از تصمیم‌ها در چنین سازمان‌هایی از طریق اجماع اتخاذ می‌شود، در صورتی که تصمیمی مغایر با منافع ملی باشد نماینده کشور دست‌کم با ابراز مخالفت می‌تواند مانع از شکل‌گیری اجماع شده و از تصویب قانون مضر جلوگیری کند. از سوی دیگر، در زمان مذاکرات بر روی متون، تصمیم‌ها یا موافقت‌نامه‌های جدید در سازمان‌های بین‌المللی، نماینده هر کشوری می‌تواند نسبت به انعکاس مواضع ملی در ارتباط با موضوع مورد مذاکره اقدام کرده و از طریق تفاهم با برخی کشورهای

هم‌فکر خواستار آن شود که مواضع مذکور در تصمیم نهایی مد نظر قرار گیرند. مشارکت و تعامل سازنده دیپلمات‌های تجاری یک کشور نه‌تنها در تصویر آن کشور مؤثر خواهد بود، بلکه خواهد توانست از طریق تبادلات امتیازات تجاری در مواقع حساس از بروز بن‌بست‌ها جلوگیری کرده و همچنین به حل پاره‌ای از مشکلات سیاسی کشور با شرکای تجاری آن کمک کند.

سرانجام، آخرین وظیفه دیپلماسی تجاری کشور آن است که «هماهنگی لازم را با ارگان‌های مسئول دیپلماسی سیاسی و دیپلماسی عمومی کشور» ایجاد کرده و از طریق درگیر کردن جامعه مدنی نظرات تجار، دانشگاهیان و رسانه‌های گروهی بتواند به نظر جامعی در این مورد دست یابد و این نظر را به سایر بخش‌های قوای مقننه، مجریه و قضائیه ارائه کرده و از آن دفاع کند. سیاست خارجی یک کشور در عصر جهانی شدن نمی‌تواند بدون توجه به سیاست‌های تجاری تنظیم شود، همان‌طور که دیپلماسی تجاری فارغ از دیپلماسی سیاسی - امنیتی کشور نخواهد توانست اهداف خود را محقق سازد.

ابزارهای دیپلماسی تجاری

دیپلماسی تجاری هم به مفاهیم و اصول اقتصاد خرد و کلان در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی، و هم به اصول و مفاهیم سیاست بین‌الملل وابسته است. هرچند دیپلماسی در مفهوم سنتی آن بر اصل «هم‌پیمانی» متمرکز است، ولی باید توجه داشت که در هر صورت بازرگانان، نظامی نیستند. لذا هم‌پیمانان آنها می‌توانند کشورهای دیگر، و نه لزوماً تنها کشورهای همسایه یا شرکت‌های خارجی و یا نظامیان خارجی باشند. از این‌رو گذشته از ابزارهای عمومی دیپلماسی یا سیاست خارجی - نظیر: مذاکره، تبلیغات، پاداش و مجازات اقتصادی، تهدید و مداخله نظامی - که پاره‌ای از آنها کم‌وبیش در دیپلماسی تجاری هم می‌توانند کاربرد داشته باشند، ابزارهای خاص دیپلماسی تجاری را می‌توان به دو دسته کلی «ابزارهای بازرگانی» - شامل تعرفه و اقدامات غیرتعرفه‌ای - و «ابزارهای اطلاعاتی، نهادی و ارتباطی» تقسیم کرد. ابزارهای غیرتعرفه‌ای طیف نامحدودی از سهمیه‌های وارداتی تا مجوزهای واردات، ممنوعیت‌های وارداتی، محدودیت‌های صادراتی، رویه‌های



گمرکی، یارانه‌ها، شرط محتوای داخلی^۱ یا استفاده از منابع داخلی و... را دربر می‌گیرد. ابزارهای اطلاعاتی، نهادی و ارتباطی دیپلماسی تجاری نیز به‌طور خلاصه به‌شرح زیر قابل تعریف هستند (Wolfe, 1997):

۱. سیستم اطلاعات قابل اعتماد؛
۲. اطلاعات و آمار مطمئن: عدم دسترسی به آمار دقیق مبادلات تجاری، تحلیل‌های کارشناسی و مذاکرات تجاری را با مشکل مواجه می‌کند؛
۳. آمیزه‌ای از اقدامات داخلی (منابع و ظرفیت کارشناسی تحلیلی، سازمان‌های مشورتی و مذاکراتی)، و اقدامات بین‌المللی (دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه) با استفاده از نهادها و سازمان‌های دولتی، غیردولتی و مختلط؛
۴. تشریک مساعی با شرکای تجاری در اقدامات خارجی؛
۵. بهره‌گیری از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان بخشی از فرایند فراگیری و ترویج سیاست‌های بین‌المللی.

در گزارش اصلی طرح مورد اشاره، عوامل اقتصادی - تجاری مختلف برای تعیین کشورهایی که از ظرفیت‌های بالقوه بالایی برای تبدیل شدن به شرکای تجاری ایران برخوردار هستند، مورد بررسی قرار گرفته است، از این‌رو در این مقاله صرفاً شاخص‌های مرتبط با روابط سیاسی - دیپلماتیک برای تعیین جایگاه شرکای تجاری بالفعل و بالقوه ایران مورد توجه قرار می‌گیرد.

روش تحقیق در طبقه‌بندی کشورها

شاخص‌های سیاسی ریسک کشورها

رتبه‌بندی کشورها از لحاظ سیاسی، موضوعی بسیار ظریف و متغیر است؛ زیرا تعیین شاخص‌ها برای محاسبه رتبه هر کشور، همچنین وزن دادن به هر شاخص، امری اعتباری و تا حد زیادی وابسته به پیش‌فرض‌های متفاوتی است. اگرچه در رتبه‌بندی اقتصادی کشورها، شاخص‌ها در روش‌های مختلف ارزیابی تقریباً مشترک هستند، ولی در رتبه‌بندی سیاسی، طیف گسترده‌ای از شاخص‌ها به‌کار گرفته می‌شوند. مشکل‌ترین کار در این ارزیابی‌ها، تبدیل معیارهای کیفی به معیارهای



کمی است. با توجه به نقش بسیار تعیین‌کننده عوامل سیاسی در تنظیم روابط بین‌المللی اقتصادی کشورها، کشورهای فعال در عرصه اقتصاد بین‌الملل به‌طور مستمر به تحلیل علمی رتبه سیاسی کشورها و متقابلاً تعیین ریسک سیاسی آنها می‌پردازند. در این قسمت از مقاله چند نمونه از ارزیابی سیاسی کشورها توسط نهادهای معتبر بین‌المللی مختلف معرفی می‌شوند.

الف - رتبه‌بندی ریسک کشورها توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD): سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه که اکثر کشورهای صنعتی دنیا در آن عضویت دارند و این کشورها حجم اصلی سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در اختیار دارند، به‌منظور ارائه رهنمود به کشورهای عضو به‌طور مستمر به ارزیابی ریسک کشورهای جهان می‌پردازد. در آخرین رتبه‌بندی این سازمان از ۲۱۰ کشور جهان، که در ژوئن ۲۰۰۸ انجام شده است، معیارهای مورد استفاده برای تعیین رتبه معرفی نشده و صرفاً رتبه نهایی هر کشور اعلام شده است. گرچه در همه رتبه‌بندی‌های متداول، روابط سیاسی دوجانبه عنصری مهم محسوب می‌شود، ولی در رتبه‌بندی این سازمان، شدت گرایش سیاسی محسوس‌تر است. در این رتبه‌بندی عدد صفر (۰) بهترین و عدد (۷) بدترین موقعیت کشورها را نشان می‌دهد و برای برخی از کشورهای بسیار کوچک علامت (-) به کار رفته که به معنی ارزیابی نشدن کشور مزبور است. طبق رتبه‌بندی این سازمان، کلیه کشورهای عضو OECD دارای کمترین ریسک بوده و کشورهایی همچون عراق، لبنان، افغانستان و سودان بیشترین ریسک را دارا هستند.

ب - رتبه‌بندی دانشگاه کارلتون^۱ برای دولت کانادا: دانشگاه کارلتون کانادا به سفارش وزارت امور خارجه این کشور در قالب پروژه‌ای، به رتبه‌بندی کل کشورهای جهان به‌منظور تنظیم سیاست خارجی دولت کانادا می‌پردازد.^۲ در این رتبه‌بندی شاخص‌های، مشارکت مردمی،^۳ دولت و کارایی اقتصاد،^۴ قابلیت

1. Carleton
2. Carleton's Country Indicators for Foreign Policy Project (CIFP)
3. Democratic Participation
4. Government and Economic Efficiency

پاسخ‌گویی،^۱ حقوق بشر،^۲ ثبات سیاسی^۳ و حاکمیت قانون^۴ مورد توجه قرار می‌گیرد. از نظر تحلیل‌گران کانادایی بین حدود ۲۰۰ کشور مورد بررسی، کشورهای زیر بدترین و بهترین رتبه را از نظر شاخص مورد بررسی به‌دست آورده‌اند.

■ مشارکت مردمی در حکومت: کشورهای عربستان سعودی، قطر و برونی همگی با رتبه ۹ بدترین وضعیت از لحاظ مشارکت مردمی را به خود اختصاص داده‌اند، و در مقابل کشورهای دانمارک (۲/۱۶)، هلند (۲/۵۶) و جمهوری چک (۲/۷۵)، بهترین وضعیت از لحاظ مشارکت مردمی را داشته‌اند.

■ کارایی دولت و اقتصاد: کشورهای کنگو و لیبیا (۷/۴۳) و برمه (۷/۵۹) بدترین کشورها و کشورهای دانمارک (۲/۱۸)، نیوزلند (۲/۳۷)، کانادا (۲/۴۲) و ایالات متحده آمریکا (۲/۴۵) بهترین کشورهای جهان از لحاظ کارایی دولت و اقتصاد بوده‌اند.

■ قابلیت پاسخ‌گویی: کشورهای برمه (۸/۹۰)، کره شمالی (۸/۹۰) و سومالی (۸/۶۱) بدترین جایگاه و کشورهای فنلاند (۱/۰۸)، دانمارک (۱/۱۰)، سوئد (۱/۱۲) و نیوزلند (۱/۱۹) از بهترین جایگاه از لحاظ قابلیت حسابرسی و شفاف بودن اقتصاد دولتی برخوردارند.

■ حقوق بشر: کشورهای کره شمالی (۸/۷۳) و سودان (۸/۶۶) بدترین وضعیت و کشورهای لوکزامبورگ (۱/۵۵)، هلند (۱/۵۹)، و فنلاند (۱/۶۴) بهترین وضعیت را دارا هستند.

■ ثبات سیاسی: ثبات سیاسی یکی از کلیدی‌ترین شاخص‌ها برای تنظیم روابط سیاسی و اقتصادی درازمدت با کشورها است. ثبات سیاسی گاه با سایر شاخص‌های سیاسی و اقتصادی هماهنگ نیست. برای نمونه در این رتبه‌بندی کشورهای همچون کره شمالی، لیبی و ترکمنستان که از لحاظ سایر شاخص‌ها از جایگاه بسیار بدی برخوردارند، از لحاظ ثبات سیاسی وضعیت خوبی دارند و بر

-
1. Accountability
 2. Human Rights
 3. Political Stability
 4. Rule of Law

این اساس برای برقراری روابط درازمدت از فرصت بهتری برخوردارند. بهترین کشورها از لحاظ ثبات سیاسی لوکزامبورگ (۱/۰۹)، نیوزلند (۱/۱۰)، برونئی و فنلاند (۱/۱۷)، و سوئیس (۱/۵۳)، و بدترین کشورها افغانستان (۸/۵۲)، عراق (۷/۸۰)، و سودان (۷/۶۵) هستند.

■ حاکمیت قانون: حاکمیت قانون یکی از شاخص‌های مهم در توسعه و استمرار روابط اقتصادی بین کشورها محسوب می‌شود. حاکمیت قانون در هر کشور مورد مطالعه، به‌منزله وجود محیط مناسب برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و انجام تعهدات قراردادی است. تحلیل‌گران کانادایی کشورهای افغانستان (۸/۹۳) و کره‌شمالی (۸/۶۳) را بدترین کشورها از لحاظ حاکمیت قانون و کشورهای انگلستان (۲/۴۸)، دانمارک (۲/۴۲)، هلند (۲/۶۹)، سوئیس (۲/۷۵)، کانادا (۲/۸۲)، و آلمان (۲/۸۳) را بهترین کشورها از لحاظ حاکمیت قانون ارزیابی کرده‌اند.

■ معدل کل: در این پروژه تحقیقی دانشگاه کارلتون کانادا، معدل شش شاخص ذکرشده نیز ارائه و براساس آن کشورها رتبه‌بندی نهایی شده‌اند. ولی به‌نظر می‌رسد معدل‌گیری روش صحیح و شفافی برای یافتن جایگاه سیاسی کشورها نباشد، چون وزن هریک از شاخص‌ها با توجه به اهداف اصلی روابط با کشور مورد نظر یکسان نیست. به‌هرحال در این تحقیق، کشورهای میانمار (۷/۸۸)، افغانستان (۷/۸۴)، سودان (۷/۶۹) و عراق (۷/۶۱) پایین‌ترین رتبه و کشورهای نروژ (۱/۸۷)، دانمارک (۱/۹۰)، نیوزیلند (۱/۹۹) و فنلاند (۲/۰۳) بالاترین رتبه را کسب کرده‌اند.

ج - رتبه‌بندی بانک جهانی: بانک جهانی، روش «شاخص‌های جهانی نحوه حکمرانی»^۱ را برای رتبه‌بندی سیاسی کشورها طراحی کرده که یکی از فراگیرترین روش‌های ارزیابی کشورها محسوب می‌شود. در این روش شش شاخص برای نحوه (کیفیت) حکومت در بیش از ۲۰۰ کشور جهان مورد بررسی قرار گرفته است. نحوه حکمرانی^۲ یکی از شاخص‌های مهم بانک جهانی در ارزیابی دولت‌ها است. تعاریف مختلفی از نحوه حکومت ارائه شده است. طبق تعریف بانک جهانی؛ «نحوه

1. The Worldwide Governance Indicators (WGI)

2. Governance

حکومت، روشی است که در آن قدرت برای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور به منظور توسعه، اعمال می‌شود» (Kaufman, 2008).

شاخص‌های این روش عبارتند از: شفافیت و قابلیت پاسخ‌گویی، کنترل فساد، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و حاکمیت قانون.

د - شاخص‌های (مؤسسه) خدمات ریسک سیاسی^۱: در روش مؤسسه خدمات ریسک سیاسی، محاسبه ریسک سیاسی براساس روش ICRG^۲ و با استفاده از هشت عامل رهبری سیاسی، منازعات خارجی، فساد دولتی، نقش نظامیان در سیاست، نقش مذهب در سیاست، تنش‌های قومی و نژادی، تروریسم و سطح توسعه احزاب سیاسی صورت می‌گیرد.

ه - شاخص‌های بانک اروپایی بازسازی و توسعه (EBRD): بانک اروپایی بازسازی و توسعه نیز برای گروهی از کشورهای مورد توجه که غالباً جمهوری‌های شوروی سابق و اروپای شرقی هستند، شاخص‌هایی تعیین کرده است. برای نمونه، بانک مزبور وضعیت قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری ۲۵ کشور اروپای شرقی و جمهوری‌های شوروی سابق را با دو شاخص میزان فراگیری قانون و میزان قابلیت اجرای قانون، تعیین کرده که بین (۰) الی (۴) امتیاز داده می‌شود (EBRD, 1996).

و - شاخص‌های (مؤسسه) اکونومیست^۳: مؤسسه معتبر اکونومیست، هر سال به محاسبه ریسک ۱۵۰ کشور جهان می‌پردازد. این مؤسسه در محاسبه ریسک، ده شاخص را مورد توجه قرار می‌دهد. این شاخص‌ها عبارتند از: ثبات سیاسی، امنیت، کارایی دولت، قوانین و مقررات، ثبات اقتصاد کلان، تجارت خارجی و پرداخت‌ها، بازار مالی، سیاست‌های مالیاتی، بازار کار و زیرساخت‌ها.

رتبه کشورها بین صفر تا صد است که کمترین ریسک عدد صفر و بالاترین ریسک عدد صد است. طبق محاسبه مؤسسه مزبور، در دو سال متوالی ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی به ترتیب کشورهای سوئیس با (۸)، دانمارک با (۹)، سنگاپور، سوئد و فنلاند همگی با (۱۰) امتیاز، کمترین ریسک را در جهان به خود اختصاص داده‌اند.

-
1. Political Risk Services (PRS)
 2. Intenational Country Risk Guide (ICRG)
 3. Economist

و در مقابل کشورهای عراق با (۸۴)، گینه با (۸۰) و میانمار با (۷۹) امتیاز بیشترین ریسک اقتصادی را داشته‌اند.

شاخص‌های نهایی با لحاظ منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

نظر به اینکه اکثر شیوه‌های رتبه‌بندی کشورها از لحاظ سیاسی توسط نهادهای غربی صورت می‌گیرد، اینکه گرایش سیاسی کشورهای غربی در این محاسبه‌ها تأثیر بگذارد دور از ذهن نیست. بر این اساس، هم در تعیین شاخص‌ها و هم در تعیین امتیاز هر یک از این عوامل، اعمال نظرهای سیاسی کشورهای غربی را می‌توان مشاهده کرد. برای نمونه، در شاخص مؤثر در تعیین ریسک سیاسی موسوم به ICRG، دخالت دادن عواملی همچون «نقش مذهب در حکومت»، احتمالاً با جهت‌گیری پیشین علیه کشورهای اسلامی طراحی شده است.

نمونه دیگر، در تعیین امتیازها است. همان‌گونه که اشاره شد، بانک اروپایی بازسازی و توسعه به کشورهای اروپای شرقی از جمله اوکراین رتبه بالایی داده است. به طوری که حتی یک حقوق‌دان اوکراینی در خلال مباحث مربوط به کشور اوکراین، از حداکثر امتیاز بانک مزبور به کشورش در مورد قابلیت اجرایی قوانین سرمایه‌گذاری بسیار متعجب شده و آن را مبالغه‌آمیز دانست. می‌توان این‌چنین تحلیل کرد که با توجه به استراتژی دولت‌های غربی برای جذب کشور مهم اوکراین به دامن غرب و دور ساختن آن از روسیه، ارقامی بسیار مثبت به منظور هدایت سرمایه‌گذاری‌های غربی در این کشور ارائه می‌دهند. با همین استراتژی، متقابلاً چنانچه کشوری از لحاظ سیاسی مورد نظر کشورهای غربی نباشد، احتمال دارد مراکز تحلیلی غربی با همین پیش‌فرض، محاسبه‌هایشان را هدایت کنند.

با توجه به موارد بالا، لازم است هر کشور، در ارزیابی‌های بین‌المللی، با احتیاط از آمار و اطلاعات مراکز علمی و تحقیقی بین‌المللی استفاده کند و ویژگی‌ها و منافع مختص خود را در نظر گیرد. بر این اساس، در بررسی عوامل سیاسی مؤثر در تعیین طرف‌های تجاری برای کشور ما، لازم دیده شد با در نظر گرفتن منافع ملی کشور شاخص‌های مستقل برای جمهوری اسلامی ایران طراحی شود. در تعیین شاخص‌های نُه‌گانه در جدول (۷-۵) ضمن استفاده از معیارهای متداول بین‌المللی،

ملاحظات خاص جمهوری اسلامی ایران نیز در نظر گرفته شده و امتیاز هر کشور بر حسب مورد از صفر الی چهار تعیین شده است.

۱. شاخص مواضع سیاسی در قبال ایران: نظر به اینکه وضعیت روابط سیاسی دوجانبه بین دو کشور از نقش تعیین کننده‌ای در سطح روابط آنها در سایر امور، از جمله روابط تجاری، برخوردار است، لذا این شاخص به عنوان نخستین معیار، مورد توجه قرار گرفته است. در تعیین امتیاز هر کشور، رویکرد عملی هر کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران تا زمان حاضر به طور متوسط در نظر گرفته شده است.

۲. شاخص «پیش‌بینی درازمدت مواضع سیاسی در قبال ایران»: محاسبه ریسک‌های سیاسی - تجاری، همواره با هدف برنامه‌ریزی میان‌مدت و درازمدت صورت می‌گیرد. بنابراین اکتفا به وضعیت موجود نمی‌تواند به تنهایی راه‌گشا باشد. علاوه بر این با توجه به ماهیت تغییرپذیری سریع نظام روابط بین‌الملل، نمی‌توان به اطلاعات مربوط به وضعیت موجود برای برنامه‌ریزی برای آینده اعتماد کرد. بر این اساس، با در نظر گرفتن روند فعلی روابط سیاسی دوجانبه بین جمهوری اسلامی ایران و کشور مورد نظر، با توجه به تحولات در حال شکل‌گیری در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی، وضعیت روابط سیاسی دو کشور در آینده پیش‌بینی شده است.

۳. شاخص «ثبات سیاسی»: ثبات سیاسی از شاخص‌های مورد توجه در اکثر روش‌های رتبه‌بندی سیاسی در تعیین طرف‌های تجاری اصلی کشورها محسوب می‌شود. بررسی وضعیت روابط سیاسی در حال و آینده که پیشتر به آن اشاره شد، با فرض استمرار حکومت فعلی صورت گرفته است. کشورهایی که سابقه ناآرامی‌های شدید سیاسی منجر به تغییر دولت داشته‌اند، طبعاً نمی‌توانند طرف تجاری مطمئنی برای درازمدت محسوب شوند، زیرا ممکن است دولت‌های جدید رویکرد سیاسی و اقتصادی متفاوتی در قبال روابط با جمهوری اسلامی ایران داشته باشند.

۴. شاخص «میزان نفوذ در مناطق مورد توجه ایران»: یکی از معیارهایی که می‌تواند در تعیین یک کشور به عنوان شریک تجاری مورد توجه قرار گیرد، صرف نظر از وضعیت داخلی آن کشور اعم از سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی،

میزان نفوذ کشور مزبور در کشورهای ثالث و مناطق مورد توجه است. از طریق این گونه کشورها، کشور ما برای حضور در کشورهای ثالث مورد توجه خود، از فرصت‌های بهتری برخوردار خواهد بود. برای نمونه می‌توان به نقش کشور افریقای جنوبی در منطقه جنوب قاره افریقا و نقش عربستان سعودی در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و دریای عمان و حتی در سایر کشورهای اسلامی و نقش فدراسیون روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز و حتی خاورمیانه اشاره کرد.

۵. شاخص «میزان اقتدار در مجامع بین‌المللی»: از این منظر، دیپلماسی

تجاری را از لحاظ حوزه عملکرد می‌توان به دو شاخه طبقه‌بندی کرد:

الف - دیپلماسی تجاری در قبال کشورها؛

ب - دیپلماسی تجاری در قبال سازمان‌های بین‌المللی.

امروزه سازمان‌های بین‌المللی از جایگاه مهمی در روابط بین‌الملل برخوردار شده‌اند؛ به طوری که اگرچه خود، زاینده دولت‌ها هستند، ولی در بسیاری از موارد موضوعی مستقل از دولت‌های مؤسس اتخاذ می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی نیز در عرصه اقتصاد و تجارت بین‌الملل نقش تعیین‌کننده‌ای را به دست آورده‌اند.

در تعیین طرف‌های تجاری اصلی، یکی از معیارهایی که می‌تواند و شاید لازم باشد مورد توجه قرار گیرد، میزان اقتدار کشور مورد نظر در مجامع منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی است. برای نمونه بدون توجه به نقش کشورهای صنعتی در اتحادیه اروپایی (EU)، سازمان جهانی تجارت (WTO) و حتی در سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی آن، نمی‌توان با این نهادهای بین‌المللی روابط کاری مستحکمی برقرار کرد.

مثال دیگر، اوپک (OPEC) است. در تصمیم‌های این سازمان مهم که اقتصاد ملی کشور ما را به شدت متأثر می‌سازد، لازم است به نقش کشورهای کلیدی از جمله عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی توجه داشته و در تنظیم روابط تجارت خارجی خود، نقش این‌گونه کشورها در سازمان‌های بین‌المللی مزبور را به‌عنوان یک معیار مهم در نظر گرفت. همین نقش را می‌توان برای عربستان سعودی در بانک توسعه اسلامی (IDB) و برای ترکیه در سازمان

همکاری‌های اقتصادی (ECO) قائل شد.

۶. شاخص «موقعیت جغرافیایی»: به‌رغم توسعه فناوری ارتباطات و حمل‌ونقل، کماکان موقعیت جغرافیایی کشورها همچون گذشته از هر دو جنبه سیاسی و اقتصادی حائز اهمیت است. بسیاری از جنگ‌های معاصر با هدف دسترسی سهل‌تر به آبراه‌های بین‌المللی صورت گرفته است. وضعیت کشورهای محصور در خشکی امروزه یکی از موضوع‌های مهم در حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل محسوب می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد یکی از عوامل مهم تنش در روابط بین کشورها در عصر معاصر است. متقابلاً بعضی از کشورها با برخورداری از موقعیت مناسب جغرافیایی و دسترسی به آب‌های بین‌المللی، ضمن استفاده مؤثر در توسعه اقتصادی ملی، به‌صورت پلی برای دسترسی دیگر کشورهای منطقه به آب‌های بین‌المللی عمل می‌کنند.

بعضی از این گروه از کشورها دارای آن‌چنان موقعیت جغرافیایی ممتاز و دیپلماسی فعالی در منطقه هستند که از این وضعیت طبیعی به‌عنوان ابزاری سیاسی در سطح منطقه استفاده می‌کنند. برای نمونه، «دیپلماسی حمل‌ونقل» دولت افریقای جنوبی در دوران حکومت آپارتاید در قبال کشورهای افریقای همسایه بسیار مؤثر بود. کشور ما نیز از چنین موقعیت راهبردی در منطقه برخوردار است. بر همین اساس در طول تاریخ همواره مورد توجه دولت‌های بزرگ خارج از منطقه بوده است. لقب گرفتن کشور ما به‌عنوان «پل پیروزی» نیروی متفقین در جنگ جهانی دوم یکی از نمونه‌های این نقش مهم بین‌المللی و جهانی است. در دوره معاصر نیز ایران پل ارتباطی جهان با دو منطقه راهبردی خلیج فارس و بازارهای نوظهور آسیای مرکزی و قفقاز محسوب می‌شود. لازم است در دیپلماسی و تجارت خارجی به این جایگاه خود واقف باشیم.

۷. شاخص «روابط فرهنگی با ایران»: در طول تاریخ، پیوندهای فرهنگی عامل مهمی در ارتباط بین ملت‌ها و دولت‌ها بوده است. میزان روابط فرهنگی بین دو کشور نقش مؤثری در استمرار و تحکیم روابط سیاسی و تجاری بین دولت‌ها دارد، بر این اساس «دیپلماسی فرهنگی» و «دیپلماسی تجاری» رابطه متقابلی با یکدیگر دارند. در ارزیابی این شاخص، دو جنبه زیر در نظر گرفته شده است:

الف - مشترکات آداب و سنن فرهنگی: برای نمونه، بعضی از کشورها دارای مشترکات مذهبی و اعتقادی نیستند، ولی ریشه‌های فرهنگ بومی مشترکی در هر دو کشور مشاهده می‌شود که همین موضوع به صورت بالقوه و نامحسوس عامل تحکیم روابط تجاری و سیاسی بین آنها محسوب می‌شود. برای نمونه کشور هند به‌رغم تفاوت زیاد در اعتقادات مذهبی، از لحاظ فرهنگی مشترکات زیادی با کشور ما دارد. بعضی دیگر از کشورهای آسیایی، از جمله چین نیز از همین ریشه‌های مشترک مردم شرقی بهره‌مند است.

ب - آشنایی با فرهنگ کشور مقابل: به‌موازات کشورهای دارای مشترکات فرهنگی، عامل فرهنگی دیگری که می‌تواند در توسعه روابط پایدار بین دو کشور مؤثر باشد، میزان آگاهی هر کشور از فرهنگ کشور مقابل است. بیگانگی و در مرحله شدیدتر، خصومت فرهنگی، عوامل جدی بازدارنده توسعه روابط دو کشور بوده که در روابط سیاسی و تجاری آنها تجلی می‌یابد. در اعمال معیارهای فرهنگی برای تعیین طرف‌های تجاری برای ایران، این جنبه نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه در منطقه اروپای غربی، به‌رغم فقدان مشترکات فرهنگی با ایران بعضی از کشورها به دلیل روابط تاریخی، از آمادگی بیشتری برای پذیرش و درک فرهنگ ایرانی برخوردار هستند. به‌طور مثال، کشورهای فرانسه و ایتالیا از لحاظ ارتباطات تاریخی - فرهنگی با کشور ما تفاوت زیادی با کشورهای اسکانندیناوی دارند، که همین موضوع در سیاست خارجی آنها در قبال ایران نیز تجلی یافته است.

۸. شاخص «روابط مذهبی با ایران»: مشترکات مذهبی نیز عامل مهمی در تحکیم روابط دو ملت محسوب می‌شود. در روابط بین‌الملل، ممکن است دو کشور در دو نقطه بسیار دور از یکدیگر و با فرهنگ‌های متفاوت به دلیل مشترکات مذهبی و اعتقادی دارای روابط نزدیک با یکدیگر باشند. برای نمونه می‌توان به دو کشور اسلامی یکی در جنوب شرقی آسیا و دیگری در غرب افریقا اشاره کرد.

جهان اسلام با گستردگی جغرافیایی فراوان در بالغ بر ۵۷ کشور جهان، که اکثراً در قاره آسیا و افریقا واقع شده‌اند، تاکنون نتوانسته از توانمندی‌های خود به‌خوبی استفاده کند؛ ولی با توجه به تفکری که در مورد همکاری‌های بیشتر کشورهای اسلامی به‌منظور شکل‌گیری «بازار مشترک اسلامی» وجود دارد، این کشورها در

برقراری روابط تجاری به نوبه خود حائز اولویت هستند. به موازات جهان اسلام، در کشورهای مسیحی نیز که اعتقادات مذهبی غالب یا بانفوذ است از جمله در کشورهای امریکای لاتین، زمینه بالقوه مناسبی برای استحکام روابط تجاری با ایران وجود دارد.

۹. شاخص «ثبات قوانین و مقررات»: آخرین معیار که برای تعیین طرف تجاری در نظر گرفته شده، ثبات قوانین و مقررات و حاکمیت قانون است. با فرض اینکه کشوری دارای موقعیت مناسبی در اکثر معیارهای هشت گانه پیشین باشد، ولی به دلیل ناکارآمدی حکومتی، فاقد نظام تصمیم‌گیری منسجم باشد، طبعاً سیاست‌های آن کشور ناپایدار بوده و نمی‌توان به قوانین و مقررات موجود آن در کوتاه‌مدت اطمینان داشت. ثبات قوانین و حاکمیت قانون تقریباً در کلیه روش‌های محاسبه ریسک سیاسی برای تجارت با کشورها، مورد توجه جدی قرار می‌گیرد.

۱۰. میانگین شاخص‌ها: در ستون یازدهم جداول پیوست، رتبه‌های هریک از کشورها براساس معدل‌گیری شاخص‌های نه‌گانه پیشین (که بین ۰ تا ۴ بوده است) آورده شده است.

ارزیابی نهایی شاخص‌های سیاسی کشورها در ارتباط با ایران

به‌منظور بررسی جایگاه هریک از کشورهای جهان در ارتباط با ایران، نظر به اینکه بررسی تک‌تک کشورها از حوصله این تحقیق خارج است، لذا شاخص‌ترین کشورها در هر منطقه شناسایی و میزان ارتباط‌پذیری آنها با ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است. از این منظر، مناطق مختلف جهان و مطرح‌ترین کشورها در این مناطق را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. قاره اروپا: (۱)

الف - اروپای غربی: آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا؛

ب - اروپای شرقی؛ اوکراین).

۲. قاره اقیانوسیه (استرالیا).

۳. قاره امریکا؛

الف - امریکای شمالی: ایالات متحده امریکا، کانادا؛

ب - امریکای مرکزی: مکزیک

ج - امریکای جنوبی: برزیل و آرژانتین

۴. قاره افریقا؛

الف - شمال افریقا: مصر، الجزایر و مراکش؛

ب - غرب افریقا: نیجریه؛

ج - شرق افریقا: تانزانیا؛

د - جنوب افریقا: افریقای جنوبی

۵. اوراسیا: (۲) فدراسیون روسیه، قزاقستان، ازبکستان؛

۶. قاره آسیا:

الف - شرق و جنوب شرقی آسیا: چین، کره جنوبی، ژاپن، مالزی،

اندونزی؛

ب - جنوب آسیا: هند؛

ج - غرب آسیا: عربستان سعودی و ترکیه.

طبق جدول ۱ بین کشورهای اتحادیه اروپایی (EU) کشورهای فرانسه و ایتالیا به لحاظ حقوقی و سیاسی با کسب ۲/۸ امتیاز از کل ۴ امتیاز، از بالاترین رتبه به عنوان شریک تجاری برخوردار هستند. کشور فرانسه یکی از اعضای محوری اتحادیه اروپایی، همچنین عضو دائمی شورای امنیت و عضو فعال در اکثر قریب به اتفاق سازمان‌های مهم بین‌المللی بوده، لذا از جایگاه مهمی در روابط بین‌المللی برخوردار است. سیاست خارجی مستقل این کشور نسبت به دولت امریکا در سطح اروپا و جهان به طور کاملاً واضح بیان و سابقه تاریخی روابط فرهنگی با دو کشور مزبور به‌ویژه ایتالیا زمینه تحکیم روابط را فراهم ساخته است (پاکدامن، ۱۳۷۷).

آلمان نیز با ۲/۷ امتیاز در جایگاه دوم قرار گرفته است. این کشور نیز از لحاظ سیاسی از جایگاهی مشابه فرانسه برخوردار است. اتفاقاً هر دو کشور آلمان و ایتالیا در جنگ جهانی دوم مغلوب قوای متفقین شده و احساسات «ملی‌گرایانه» و ضدآمریکایی و انگلیسی‌کامکان در جوامع آنها تبلور دارد (هرچند این نگرش در نسل جوان، بسیار کم‌رنگ‌تر شده است). اتریش که دارای ویژگی‌های سیاسی شبیه به آلمان است با رتبه ۲/۷ در جایگاه سوم جدول قرار گرفته است. هر چهار کشور

فوق نیز دارای سابقه تاریخی روابط با کشور ما در زمینه‌های مختلف دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی بوده‌اند، که همین موضوع استمرار و تقویت روابط با آنها را به‌عنوان طرف‌های تجاری اصلی برای ایران، توجیه می‌کند.

اسپانیا با ۲/۲ امتیاز در جایگاه چهارم و کشورهای بریتانیا و هلند نیز با ۲/۱ امتیاز به‌طور مشترک در جایگاه پنجم جدول قرار گرفته‌اند. کمترین رتبه را بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا، فنلاند با ۱/۳ امتیاز به خود اختصاص داده است.

فدراسیون روسیه: جدول ۲ موقعیت کشورهای حوزه شوروی سابق را در کسب امتیازات مربوط به عوامل سیاسی و دیپلماتیک در قبال جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد. طبق این جدول، فدراسیون روسیه با کسب ۳/۱۱ امتیاز از کل ۴ امتیاز، بالاترین رتبه را در این منطقه به خود اختصاص داده است. واقعیت‌های موجود نیز مؤید جایگاه بالقوه فدراسیون روسیه در روابط بین‌الملل است.

روسیه طی سال‌های اخیر سعی داشته است با استفاده از ابزارهای مالی و اقتصادی، میزان نفوذ خود در جهان را گسترش دهد. برآورد شده است که هم‌اکنون شرکت‌های روسی بالغ بر ۵۹ میلیارد دلار در خارج از روسیه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. بروز بحران شدید مالی در غرب، شرکت‌های بیشتری در غرب را در معرض خرید روس‌ها قرار داده است.^۱ به‌رغم تجزیه اتحادیه جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های شوروی سابق، به دلیل حضور اقلیت‌های ذی‌نفوذ روس‌تبار در این جمهوری‌ها از یک‌سو و ارتباط سنتی اقتصادی و اجتماعی این جمهوری‌های مستقل با روسیه، تأثیرپذیری آنان از سیاست‌های روسیه با شدت و ضعف‌های مختلف کماکان ادامه دارد. این تأثیرپذیری‌ها عمدتاً در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و کشور روسیه سفید مشهود است. پیمان وحدت فدراسیون روسیه و روسیه سفید نمادی از وجود این علقه‌های تاریخی است. روسیه دارای توان نظامی بالایی بوده و از لحاظ دارا بودن سلاح‌های متعارف یا غیرمتعارف مثل سلاح‌های هسته‌ای یک قدرت بزرگ نظامی در جهان محسوب می‌شود.

این کشور دارای اقلیت بزرگ مسلمان است و در حال حاضر دین اسلام با

حدود ۲۰ میلیون نفر مسلمان که تقریباً ۱۵ درصد از کل جمعیت روسیه را تشکیل می‌دهد، دومین دین این کشور محسوب شده و نقش مهمی در امور سیاسی و اجتماعی روسیه دارد. تاتارها با ۵ میلیون جمعیت که در جمهوری خودمختار و توسعه‌یافته تاتارستان و مسکو زندگی می‌کنند از نفوذ خوب اقتصادی برخوردار هستند (پاکدامن، ۱۳۸۷). سایر اقوام این کشور به‌ویژه در بخش آسیایی و قفقاز شمالی دارای روابط تاریخی، و مشترکات عمیق دینی و فرهنگی با ایران هستند. با در نظر گرفتن همه این عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی، انتظار می‌رود روابط عمیق و مستحکمی بین فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران برقرار باشد. پیش‌نیاز وجود این‌گونه روابط نزدیک بین دو کشور، آگاهی کافی از ویژگی‌ها و امکانات طرف مقابل است. متأسفانه در کشور ما مطالعات در مورد فدراسیون روسیه در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد؛ بر همین اساس برقراری روابطی منظم‌تر با روسیه، به‌ویژه در حوزه اقتصاد، صنعت و تجارت، تحت‌الشعاع قرار گرفته است.

جمهوری‌های آسیای مرکزی: پنج جمهوری آسیای مرکزی در مرکز سرزمین وسیع اوراسیا با قلمرویی به بزرگی هند و پاکستان واقع شده‌اند. این منطقه در بسیاری موارد شبیه حوزه بزرگ و منطقه فلاتی ایالات متحده است. ۱۷ ایالت داخلی (و نه ساحلی) غرب امریکا (از آریزونا تا آرکانزاس و از ایداهو تا مینه‌سوتا) تقریباً دارای سرزمین مشابه منطقه آسیای مرکزی هستند و تقریباً از لحاظ عرض جغرافیایی و تا حدی ویژگی‌های فلات، کوه و صحرا و نوسانات آب‌وهوایی مشابه هستند. منطقه درون‌سرزمینی ایالت متحده ۳۶/۸ میلیون نفر جمعیت دارد که در مقایسه با جمعیت ۵۴/۸ میلیون نفری آسیای مرکزی، جمعیت زیادتری برای منطقه‌ای با کوه‌ها و نواحی صحرایی دارای ساکنان بسیار اندک، محسوب می‌شود.

قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان: سه کشور ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان از کشورهای مهم آسیای مرکزی محسوب می‌شوند و از لحاظ دارا بودن منابع عظیم معدنی و نفتی مورد توجه جهانی قرار گرفته‌اند. این سه کشور به‌همراه جمهوری آذربایجان در سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) در کنار ایران مشارکت دارند که می‌توانند زمینه‌های توسعه روابط دوجانبه و چندجانبه را فراهم کنند. به‌علاوه اینکه

مشترکات دینی و فرهنگی قوی بین ایران و این گروه از کشورها وجود دارد که موجب تحکیم روابط دوجانبه خواهد شد.

کشور ترکمنستان، که به دلیل هم‌جواری و موقعیت ویژه جغرافیایی، وابستگی شدیدی به قلمرو ایران برای ارتباط با آب‌های بین‌المللی و بازارهای جهانی دارد، در بین کشورها آسیای مرکزی توجه بیشتری برای برقراری روابط مستحکم با ایران داشته است، اگرچه برای کشور ما نیز استفاده از قلمرو ترکمنستان برای ارتباط با سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی مهم است.

بین کشورهای غیرمسلمان در منطقه قفقاز، جمهوری گرجستان نیز به دلیل وجود سابقه فرهنگی زیاد با کشور ما می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این لازم است قلمرو گرجستان برای ایجاد مسیرهای جایگزین مسیر فعلی برای ارتباط با اروپا (مسیر ترکیه) مورد توجه قرار گیرد.

جمهوری اوکراین نیز از دوران حاکمیت شوروی سابق از موقعیت سیاسی و اقتصادی ممتازی نسبت به سایر جمهوری‌های غیرروس شوروی برخوردار بوده است. هم‌اکنون نیز این کشور مورد توجه سرمایه‌گذاران غربی قرار دارد (فاضل و پاکدامن، ۱۳۷۷).

چین: در جدول ۳ اصلی‌ترین کشورهای قاره پهناور آسیا رتبه‌بندی شده‌اند. طبق جدول مزبور، جمهوری خلق چین با کسب امتیاز ۳ در جایگاه نخست قرار گرفته است. بعضی از ویژگی‌های این کشور، که آن را به‌عنوان یک طرف تجاری پراهمیت برای ایران مطرح کرده است، عبارتند از:

الف - کشور چین از اعضای دائمی شورای امنیت است و در برخی از موارد مانع اتخاذ تصمیم‌های یک‌سویه این شورا به نفع کشورهای غربی شده است؛

ب - این کشور از قدرت هسته‌ای برخوردار است، به‌علاوه اینکه دارای قدرت نظامی قوی از لحاظ نیروهای نظامی و جنگ‌افزارهای کلاسیک است؛

ج - به‌دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این کشور با آسودگی خاطر از خطر رقیب خود در مرزهای شمالی، از اقتدار سیاسی بیشتری در روابط بین‌الملل برخوردار شده و به‌عنوان عامل اصلی تعدیل سیاست‌های امریکا مطرح است؛

د - جمعیت ۱/۳ میلیارد نفری این کشور از دو جنبه قدرت سیاسی بین‌المللی

و قدرت اقتصادی (تولید با نیروی کار ارزان و بازار بزرگ مصرف) از اهمیت کلیدی برخوردار است؛

ه - سیاست خارجی چین همواره مواضع معتدلی در قبال کشور ما اتخاذ کرده است؛

و - روابط فرهنگی تاریخی بین دو کشور ایران و چین برقرار بوده و مشترکات فرهنگی زیادی بین آنها مشاهده می‌شود. به‌علاوه اینکه تعالیم مذهبی بودا و کنفوسیوس که بر ریشه‌های اخلاقی قوی استوار شده به نزدیکی اعتقادی مردم دو کشور در روابط اجتماعی کمک شایانی کرده است.

ز - چین در سازمان ملل متحد و سازمان‌ها و نهادهای تخصصی آن و همچنین در اکثر قریب به اتفاق سازمان‌های مهم بین‌المللی حضور فعالی داشته است. از جمله در سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (APEC)، سازمان همکاری‌های شانگهای، سازمان جهانی تجارت (WTO) و

ح - کشور چین از لحاظ اقتصادی با شتاب زیادی در حال رشد بوده و به عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان مطرح شده است. متقابلاً بازار بزرگ مصرف خصوصاً برای انرژی محسوب می‌شود.

طبق تحلیل گلدن ساچز،^۱ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی چین از ۸/۱ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۵ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش خواهد یافت و تا اواسط دهه ۲۰۴۰ به ۳/۵ درصد خواهد رسید با این وجود، چین به دلیل نرخ سرمایه‌گذاری بالا، دارا بودن نیروی کار زیاد و ارزان تا سال ۲۰۴۱، به بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا تبدیل خواهد شد (Sachs, 2003, 10).

مالزی: طبق جدول مزبور، اندونزی و مالزی با کسب امتیاز ۲/۹ به‌طور مشترک در جایگاه دوم از لحاظ مصالح و منافع کشور ما قرار گرفته‌اند. مالزی به‌رغم جمعیت نسبتاً کم ۲۹ میلیون نفری طی دهه گذشته شاهد جهش عظیمی در توسعه بوده است و به دلیل استحکام زیرساخت‌های این توسعه، به‌رغم بروز بحران مالی به‌سرعت قادر شد خود را با واقعیت جدید انطباق داده و دوره بحران را پشت سر



بگذارد. دولت مالزی از جنبه سیاسی نیز همواره در موضوع‌های بین‌المللی مواضعی مترقی اتخاذ کرده است و به‌رغم همکاری نزدیک اقتصادی با کشورهای غربی در موارد مختلف، دولت و به‌ویژه نخست‌وزیر این کشور، به‌صراحت موضعی انتقادی در قبال این گروه از کشورها و رژیم صهیونیستی اتخاذ کرده است.

تأکید دولت مالزی بر اصول اسلامی نیز یکی از نکات مثبت این دولت است. برخی تحلیل‌گران سیاسی، مواضع مستقل سیاسی و اسلام‌گرایی دولت مالزی را یکی از عوامل اصلی در طراحی توطئه ایجاد بحران مالزی برای آن توسط یک سرمایه‌دار بزرگ یهودی دانسته‌اند. مالزی به‌موازات توان بالای صنعتی و اقتصادی، در بسیاری از سازمان‌های مهم بین‌المللی و منطقه‌ای نقش مؤثری ایفا می‌کند، از جمله در اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا (ASEAN)، سازمان همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند (IOR-ARC)، سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) و سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (APEC). از جنبه داخلی نیز مردم این کشور که اکثراً مسلمان هستند، دارای احساسات عمیق مذهبی بوده و به دلیل مهاجرت برخی از افراد از ایران و شبه‌قاره هند به این کشور طی دوران گذشته، به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم با فرهنگ ایرانی تا حدودی مأنوس هستند.

اندونزی: کشور اندونزی از کلیه جنبه‌های پیش‌گفته، از وضعیتی شبیه به مالزی برخوردار است، گرچه در مواضع سیاسی بین‌المللی به‌صراحت مالزی رفتار نمی‌کند، ولی جمعیت عظیم ۱۹۷ میلیون نفری و اکثراً مسلمان این کشور، مزیتی برای آن در مقایسه با مالزی محسوب می‌شود. اندونزی از بیش از ۱۷ هزار جزیره در اقیانوس هند تشکیل شده و با قرار گرفتن در مهم‌ترین مسیر بین‌المللی دریایی در جنوب شرق آسیا از موقعیت ژئوپولیتیک خاصی برخوردار است.

هند: پس از کشورهای چین، مالزی، و اندونزی، کشور هند با کسب ۲/۷ امتیاز در جایگاه سوم از لحاظ اهمیت و قابلیت برقراری روابط بین‌الملل برای کشور ما قرار گرفته است. هند با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد نفر که پس از چین پرجمعیت‌ترین کشور جهان محسوب می‌شود، همواره دست‌کم در سطح قاره پهناور آسیا به‌عنوان یکی از ارکان قدرت مطرح بوده است.

با توجه به اهمیت جهانی اقیانوس هند، کشور هند با داشتن بیش از ۵۶۰۰

کیلومتر سواحل آبی به‌عنوان دیده‌بان اصلی این قاره در روابط بین‌الملل از جایگاه ممتازی برخوردار است. بر این اساس و با توجه به سیاست خارجی مستقل هند، دولت این کشور همواره درصدد دور نگه‌داشتن اقیانوس هند از عرصه رقابت ابرقدرت‌ها بوده است. همچنین، دولت هند توجه جدی به تقویت توان نظامی خود داشته است (ایرانی، ۱۳۷۱). این موضوع عمدتاً به دلیل همجواری با کشور قدرتمند چین از یک‌سو و پاکستان - دارای رقابت تاریخی به‌ویژه در مورد کشمیر - از سوی دیگر بوده است. طبق آمار موجود در سال ۱۹۹۵، تعداد نیروهای نظامی این کشور بالغ بر ۱/۲ میلیون نفر بوده است (Sachs, 2003). همچنین این کشور از لحاظ صنایع نظامی پیشرفته رشد چشمگیری داشته است به‌طوری‌که قادر به تولید هواپیماهای پیشرفته از قبیل میگ ۲۷ شده است.

هند با انجام آزمایش‌های جدید هسته‌ای، خود را به‌عنوان یکی از قدرت‌های هسته‌ای جهان مطرح ساخت. این کشور یکی از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد بوده و سیاست خارجی آن از متفکران بزرگی، همچون گاندی و نهرو، الهام گرفته است. بر این اساس، این کشور روابطی سنتی و تاریخی با کشورهای توسعه‌نیافته از جمله کشورهای عربی و اسلامی داشته است. طبق آمار رسمی، از جمعیت یک میلیاردی هند، ۸۰ درصد هندو، ۱۰ درصد (یعنی حدود یک‌صد میلیون نفر) مسلمان، ۵ درصد سیک و بقیه پیرو سایر ادیان مثل بودایی هستند.

فرهنگ مردم هند نیز که دارای ریشه‌های مشترک فراوان با فرهنگ ایرانی است، یکی از عوامل مؤثر در تحکیم روابط درازمدت بین دو کشور محسوب می‌شود. کشور هند همچنین به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق اتباع هندی صاحب‌منصب در سازمان‌های بین‌المللی، نفوذ زیادی در این نهادها دارد. از جمله می‌توان به نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد، سازمان جهانی تجارت، سازمان همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند، اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا (SAARC) اشاره کرد.

طبق پیش‌بینی گلدن ساچز، نرخ رشد کشور هند در سراسر ۵۰ سال آینده به‌صورت ثابت ۵ درصد باقی خواهد ماند و این موضوع موجب خواهد شد تا تولید ناخالص داخلی این کشور تا سال ۲۰۳۲ از ژاپن نیز پیشی گیرد؛ هرچند به

دلیل جمعیت زیاد درآمد سرانه آن کماکان نسبت به سایر اقتصادهای بزرگ پایین خواهد بود (Sachs, 2003).

ترکیه: این کشور با ۲/۶ امتیاز پس از هند در جایگاه چهارم در قاره آسیا قرار گرفته است. ترکیه با ۶۷ میلیون نفر جمعیت در همسایگی ایران واقع شده و در حال حاضر اصلی‌ترین مسیر ارتباط کشور ما با اروپا محسوب می‌شود. این کشور با اتخاذ دیپلماسی فعال پس از فروپاشی شوروی سابق و تشکیل نهادهای ویژه با استفاده از مشترکات زبانی و قومی در جمهوری‌های آسیای مرکزی، آذربایجان و حتی آلبانی حضور فعالی داشته و جایگاه خود را در این کشورها تثبیت کرده است. ترکیه همچنین با مهارت فراوان در اجرای دیپلماسی تجاری در اغلب سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از موقعیت بسیار خوبی برخوردار شده است. برای نمونه در سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) که سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان به‌عنوان اعضای مؤسس در کنار هفت عضو جدید در آن حضور دارند، میزبانی برخی از نهادهای اقتصادی مهم وابسته به این سازمان از جمله بانک توسعه و تجارت اکو را به‌عهده گرفته و از طریق این‌گونه نهادها و سایر ارکان اکو، در فعالیت‌ها و طرح‌های اقتصادی این سازمان به نفع خود تأثیر می‌گذارد.

ترکیه با راهبردی مشابه از سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) برای پیشبرد منافع ملی خود استفاده مؤثری برده است. اگرچه حکومت لائیک ترکیه در تلاش برای سرکوب جنبش اسلام‌خواهی مردم این کشور از یک‌سو، و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپایی، گاهی مواضع سیاسی منفی علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده است، ولی رشد ریشه‌ای حرکت اسلامی در داخل این کشور که متکی به مشترکات فرهنگی و مذهبی فراوان بین دو ملت ایران و ترکیه است، موجب پیروزی و اقتدار احزاب اسلام‌گرا در ترکیه شده است به‌طوری‌که موفق شده‌اند با در اختیار گرفتن اکثریت پارلمان در چهارچوب حکومت لائیک، دولت، تشکیل دهند و دولت اسلام‌گرای فعلی ترکیه با توجه به تهدیدهای دشمنان داخلی و خارجی با ظرافت خاص در حال نهادینه کردن ارزش‌های دینی در جامعه ترکیه هستند. به‌علاوه اینکه شکست تلاش‌های چند دهه گذشته این کشور برای الحاق به اتحادیه اروپایی، سرخوردگی مردم این کشور از غرب‌گرایی را به‌دنبال داشته است.

عربستان سعودی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس: کشور عربستان سعودی نیز با ۲/۴ امتیاز در جایگاه پنجم در منطقه آسیا واقع شده است. کشور مزبور از دو جنبه اقتصادی و سیاسی دارای نفوذ فراوان بر کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) است. کشور ما با تحکیم روابط با عربستان سعودی می‌تواند در منطقه استراتژیک خلیج فارس، کلیه کشورها را با خود همراه سازد و حتی سیاست‌های امارات متحده عربی در قبال ایران را تعدیل کند. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، پس از عربستان، دو کشور لبنان و پاکستان هر دو با ۲/۲ امتیاز، کشورهای کویت با ۲/۱ امتیاز و کشورهای قطر و عمان به‌طور مشترک با ۲ امتیاز قرار دارند. بنابراین چهار عضو شورای همکاری خلیج فارس در جایگاه مناسبی برای انتخاب به‌عنوان طرف اصلی ایران قرار دارند. روند روابط تجاری این کشورها با جمهوری اسلامی ایران نیز امیدوارکننده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، انتظار می‌رفت که دولت‌های عربی خلیج فارس با حکومت جدید ایران که منادی وحدت اسلامی بود روابط نزدیک و حسنه‌ای برقرار کنند ولی متأسفانه به دلیل تأثیرپذیری شدید اقتصادی و سیاسی از کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و انگلستان، دولت‌های مزبور غالباً مواضع منفی و یا سردی در قبال جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کردند؛ به‌طوری‌که بعضی از تحلیل‌گران سیاسی بر این باورند که فلسفه ایجاد شورای همکاری خلیج فارس به فاصله دو سال پس از برقراری جمهوری اسلامی در ایران، نوعی صف‌آرایی این کشورها توسط دولت آمریکا در مقابل ایران است. بروز جنگ عراق علیه ایران و حمایت علنی و بی‌دریغ مجموعه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس حاکی از این ادعاست. اشغال نظامی کویت توسط عراق و موضع‌گیری ایران در حمایت از کشورهای عربی مورد تجاوز و تهدید عراق، تأثیر به‌سزایی بر پشیمان کردن اغلب کشورهای مزبور و تعدیل سیاست‌های گذشته‌شان در قبال ایران داشت. در حال حاضر با خاتمه اشغال کویت، شاهد چرخش عظیمی در مواضع کشورهای مزبور در قبال ایران هستیم؛ به حدی که فعالیت‌های شدید سیاسی و دیپلماتیک دولت آمریکا با ایجاد جوّ ضدیت و هراس کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

از ایران نه تنها کارساز نبوده، بلکه شاهد توسعه تدریجی روابط دوجانبه بین کشورهای مزبور با ایران هستیم.

نقطه عطف توسعه روابط کشورهای عضو شورای همکاری با ایران در قضیه اعلان تحریم اقتصادی دولت کلینتون علیه ایران و درخواست از کلیه کشورهای جهان برای تبعیت از این سیاست، آشکار شد. اکثر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با عمل و یا با اعلان رسمی، مخالفت خود را با این سیاست امریکا ابراز داشتند. انعقاد قراردادهای متعدد بین چند کشور مزبور از جمله قطر و کویت با ایران پس از اجرای سیاست تحریم اقتصادی توسط شوراهایی که به تبعیت از سیاست‌های امریکا در منطقه شهرت داشتند مایه سرافکنندگی دولت امریکا شده است. در این رابطه یوسف بن علوی، وزیر مشاور در امور خارجی عمان در تیر ۱۳۷۴ اظهار داشت کشورهای عربی حوزه خلیج فارس قصد ندارند از تحریم سرمایه‌گذاری و تجارت امریکا علیه ایران پیروی کنند. وی گفت: «امریکا از کشورهای عرب خلیج فارس که دارای روابط حسنه با واشینگتن هستند، نباید انتظار داشته باشد که از تحریم تجاری امریکا علیه ایران پیروی کنند. زیرا ایران همسایه ماست و کشورهای خلیج [فارس] دارای منافع هستند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت و من فکر نمی‌کنم پیروی از کلینتون به نفع ما باشد» (پاکدامن، ۱۳۷۲).

انعقاد موافقت‌نامه‌های متعدد دوجانبه این کشورها با ایران حاکی از تمایل اغلب کشورهای مزبور به تفکیک منافع ملی کشورهاشان از منافع دولت امریکا است. تماس‌های سال‌های اخیر مقامات عالی‌رتبه دو کشور، از جمله سفرهای رئیس جمهوری ایران به عربستان سعودی، بستر بسیار مناسبی برای تحکیم روابط راهبردی با این گروه از کشورها، به‌ویژه با عربستان سعودی پدید آورد. همکاری دو کشور ایران و عربستان سعودی نه تنها در سطح منطقه‌ای بلکه در برخی موارد در سطح بین‌المللی حائز اهمیت است. بارزترین مورد آن همکاری در اوپک و سازمان کنفرانس اسلامی همچنین همکاری برای حل مشکلات داخلی لبنان و عراق است. ژاپن: کشور ژاپن با ۲/۳ امتیاز در جایگاه ششم قرار گرفته است. اگرچه ژاپن از لحاظ صنعتی و اقتصادی یک قدرت جهانی مطرح است، ولی از لحاظ سیاسی به

دلایل مختلف از خط‌مشی محافظه‌کارانه‌ای که موجب حساسیت کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا نشود پیروی می‌کند. رقابت تاریخی ژاپن با چین و روسیه، عامل مهمی در این رابطه است. به‌علاوه اینکه موقعیت جغرافیایی و دوری مسافت از ایران عوامل دیگری هستند که این کشور را در رتبه‌بندی پایین‌تری از عربستان سعودی قرار داده است.

ایالات متحده آمریکا: در جدول ۴ کشورهای اصلی واقع در دو قاره آمریکا و اقیانوسیه از دیدگاه منافع ایران رتبه‌بندی شده‌اند. در قاره بزرگ آمریکا، ایالات متحده آمریکا و برزیل با ۲/۲ امتیاز رتبه قابل قبول و بالاترین جایگاه بین بیش از ۲۱ کشور این قاره را کسب کرده است. کشور آمریکا اگرچه از لحاظ علمی، صنعتی و اقتصادی از مقام بالایی در جهان برخوردار است، ولی در تعیین طرف‌های تجاری اصلی برای هر کشور، این عوامل به‌تنهایی نمی‌توانند مورد ارزیابی قرار گیرند، زیرا انتخاب «یک کشور» به‌عنوان طرف تجاری با انتخاب یک «شرکت» تفاوت اساسی دارد و در انتخاب چنین کشوری، عوامل سیاسی به‌عنوان نخستین فیلتر محسوب می‌شود. برای نمونه زمانی که ایران رژیم صهیونیستی را از لحاظ سیاسی به‌رسمیت نمی‌شناسد، طبعاً بررسی سایر عوامل غیرسیاسی از جمله توان اقتصادی و فنی آن توجیهی نخواهد داشت.

آمریکا نیز اگرچه از نظر کشور ما به‌رسمیت شناخته می‌شود، ولی وجود خصومت شدید سیاسی و قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور، موانع اساسی در تعیین کشور مزبور به‌عنوان طرف تجاری به‌رغم شایستگی‌های بالای اقتصادی و علمی آن است. با توجه به تعارض منافع بین آمریکا و ایران، رفع این مانع سیاسی نیز در میان‌مدت بعید به‌نظر می‌رسد. راهکار دولت آمریکا مبنی بر منزوی‌سازی ایران، توسعه قلمرو نفوذ ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز، تضمین نفت ارزان خلیج فارس، حمایت از حکومت‌های غیرمردمی در مقابل حرکت‌های اسلام‌گرا و حمایت مطلق از رژیم صهیونیستی در مقابل اعراب و مسلمانان، از جمله مواردی است که موجب تعارض شدید سیاست‌ها و منافع بین دو کشور ایران و آمریکا خواهد بود. با این حال، شواهد حکایت از آن دارد که از لحاظ مواضع سیاسی، دولت آمریکا در قبال ایران در درازمدت شاهد تعدیل و انعطاف‌پذیری بیشتری

خواهیم بود. دلایل این پیش‌بینی عبارتند از:

الف - عوامل سیاسی: شکست سیاست نظم نوین جهانی به رهبری امریکا یا نظام تک‌قطبی به دلیل ناکامی دولت امریکا در عراق و افغانستان و خروج هم‌پیمان‌های این سیاست دولت امریکا از دایره قدرت در کشورهایشان از جمله انگلستان و اسپانیا و تغییر مواضع سایر دولت‌ها که کماکان در قدرت هستند، عامل اصلی تضعیف جهانی امریکا شده است.

همچنین تغییر سیاست خارجی «مداراکنده» روسیه در قبال دولت امریکا و ناتو و تبدیل آن به سیاست خارجی «تهاجمی» به دلیل احساس شدید خطر برای امنیت ملی روسیه از اقداماتی همچون توسعه ناتو و استقرار سپر موشکی در نزدیک‌ترین فاصله به مسکو، عامل دیگری برای عقب‌نشینی دولت امریکا در بسیاری از منازعات بین‌المللی خواهد بود. حمله نظامی روسیه به گرجستان و اعزام رزمندها به حیاط‌خلوت امریکا در ونزوئلا نشانه‌هایی از جدیت مردان کرملین در ایستادگی در مقابل امریکا است. به طوری که برخی از تحلیل‌گران سیاسی آن را به دور جدید جنگ سرد و برخی دیگر با رعایت احتیاط آن را به «صلح سرد» تعبیر کرده‌اند. به این دلایل، دولت امریکا (اعم از دموکرات و جمهوری‌خواه) ناگزیر به تعدیل مواضع در قبال ایران خواهد بود.

ب - عوامل اقتصادی: شروع رکود اقتصادی و بحران مالی در کشورهای غربی که ایستگاه نخست آن ایالات متحده بوده و سپس به اتحادیه اروپایی رسید، این دولت‌ها را نیازمند به پرهیز از ورود به مناقشات بین‌المللی از جمله با ایران و حتی برقراری روابط اقتصادی قوی‌تر با این کشور که از ظرفیت‌های بالای اقتصادی برخوردار است، خواهد کرد.

برزیل: همان‌گونه که اشاره شد، از بین کشورهای قاره امریکا، برزیل با ۲/۲ امتیاز حائز رتبه نخست شده است. این کشور با جمعیت بالغ بر ۱۸۹ میلیون نفر پس از ایالات متحده، پرجمعیت‌ترین کشور قاره امریکا محسوب می‌شود. همچنین کشور مزبور دارای ۸/۴ میلیون کیلومتر مربع وسعت است که از این لحاظ در قاره امریکا پس از کانادا و ایالات متحده در جایگاه سوم و در سطح جهان پس از روسیه، چین، کانادا و ایالات متحده در جایگاه پنجم قرار دارد. دو

عامل جمعیت و وسعت، نقش مهمی در قدرت ملی این کشور در عرصه جهانی دارند. برزیل به جز دو کشور شیلی و اکوادور با سایر کشورهای امریکای جنوبی هم‌مرز است، این موضوع جایگاه خاص این کشور از نظر جغرافیایی و ژئوپلیتیک را نشان می‌دهد.

کشور برزیل از لحاظ علمی و صنعتی نیز پیشرفت شایان توجهی کرده است. همجواری این کشور با ده کشور امریکای لاتین و دارا بودن سواحل طولانی در اقیانوس اطلس، موقعیت استراتژیکی ممتازی برای برزیل به وجود آورده است. همه این عوامل موجب شده است در مباحثی که طی سال‌های اخیر در مورد تجدید ساختار شورای امنیت مطرح می‌شود، برزیل به‌طور جدی به‌عنوان یکی از نامزدهای عضویت دائمی این شورا معرفی شود. از لحاظ اقتصادی نیز برزیل دورنمای اقتصادی بسیار خوبی دارد. طی ۵۰ سال آینده متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی برزیل ۳/۶ درصد پیش‌بینی شده است که اندازه اقتصاد برزیل را تا سال ۲۰۲۵ بزرگ‌تر از ایتالیا، تا سال ۲۰۳۱ بزرگ‌تر از فرانسه و تا سال ۲۰۳۶ بزرگ‌تر از آلمان خواهد کرد (Sachs, 2003).

در مجموع با توجه به دارا بودن منابع طبیعی و معدنی بسیار غنی، زیرساختارهای صنعتی مناسب، جمعیت زیاد و سیاست خارجی معتدل، می‌توان برزیل را به‌عنوان یکی از شرکای اصلی تجاری بالقوه برای ایران مطرح کرد، ولی به دلیل بُعد مسافت و کمبود شناخت کافی از فرصت‌های بالقوه و بالفعل موجود رابطه دو کشور ایران و برزیل در سطحی بسیار پایین‌تر از انتظار بوده است.

ونزوئلا: کشور ونزوئلا با دارا بودن امتیاز ۱/۸ رتبه سوم در قاره پهناور امریکا را به خود اختصاص داده است. دارا بودن منابع غنی نفتی و عضویت در اوپک یکی از ویژگی‌های مثبت و ثابت این کشور برای ایران است. سیاست خارجی ضد امریکایی و همسو با ایران نیز ویژگی بسیار مثبت برای توسعه همه‌جانبه روابط بین ایران و ونزوئلا است. ولی از آنجاکه دولت آقای چاوز از ثبات سیاسی قوی در ونزوئلا برخوردار نبوده و از سوی مخالفان داخلی آن که از ابزارهای اقتصادی قویتری برخوردار هستند و از سوی دولت امریکا به صورت جدی تهدید می‌شود، باید روابط با دولت فعلی به نوعی تنظیم گردد که در صورت تغییر دولت در

ونزوئلا، روابط دو کشور لطمه شدیدی نبیند.

کانادا: کشور صنعتی کانادا نیز به‌رغم توانایی‌های بالای اقتصادی و صنعتی، به دلیل وجود علقه‌های شدید فرهنگی و سیاسی با کشور امریکا، اگرچه دارای روابط عادی دیپلماتیک با کشور ماست ولی هیچ‌گاه در مغایرت شدید با سیاست‌های امریکا در قبال کشور ما، اقدام نخواهد کرد. در چنین وضعیتی نمی‌توان در مورد کشور کانادا از لحاظ سیاسی به‌عنوان طرف تجاری اصلی برای برقراری روابط درازمدت حساب کرد.

درمجموع سه عامل اصلی باعث شده است اکثر کشورهای قاره امریکا و اقیانوسیه (برخلاف قاره آسیا) از ظرفیت‌های سیاسی - دیپلماتیک لازم برای تبدیل شدن به شریک تجاری ایران برخوردار باشند. این سه عامل عبارتند از:

الف - عوامل سیاسی: کشورهایی همچون امریکا و کانادا از مواضع هماهنگی علیه ایران برخوردار هستند و بسیاری دیگر از کشورهای این قاره نیز علاقه سیاسی خاصی در قاره آسیا ندارند.

ب - عوامل اقتصادی: اکثر کشورهای این قاره به دلیل مشکلات شدید و ریشه‌ای اقتصادی قادر نیستند به‌عنوان کشور فعال در عرصه اقتصاد بین‌الملل ظاهر شوند.

ج - عوامل جغرافیایی: به دلیل موقعیت جغرافیایی، مبادلات گسترده اقتصادی بین ایران و این کشورها بسیار پرهزینه خواهد بود، لذا زمینه همکاری اقتصادی بسیار محدود می‌شود.

استرالیا: (۳) در منطقه اقیانوسیه نیز، کشور استرالیا با کسب ۲/۱ امتیاز از جایگاه مطلوبی برای برقراری روابط اقتصادی - تجاری با کشور ما برخوردار شده است. این کشور به‌رغم جمعیت کم ۱۸ میلیون نفری، سرزمین پهناوری به وسعت ۷/۸ میلیون کیلومتر مربع را در اختیار دارد.

از لحاظ صنعتی نیز استرالیا پیشرفت شایان توجهی کرده است، به همین لحاظ به‌عنوان یک کشور صنعتی از سال ۱۹۷۱ عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) بوده است. کشور مزبور همچنین در سازمان همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند (IOR-ARC) به‌عنوان یکی از اعضای محوری محسوب می‌شود.

استرالیا در سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (APEC) عضویت دارد و به دلیل ارتباطات شدید فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با کشورهای اروپای غربی، بحث عضویت این کشور در اتحادیه اروپایی نیز مطرح بوده است، لذا از لحاظ علمی و صنعتی به‌ویژه صنایع نفت و معدن و آموزش عالی کشور ما می‌تواند استفاده مؤثری از ظرفیت‌های کشور استرالیا ببرد ولی این کشور از لحاظ سیاست خارجی، به‌شدت تابع سیاست‌های کشورهای غربی به‌ویژه امریکا و انگلستان است. اگرچه در موضع‌گیری رسمی علنی رعایت اعتدال را دنبال می‌کند.

سوئیس: در جدول ۵ کشورهای اروپای مرکزی و شرقی رتبه‌بندی شده‌اند؛ هرچند، در بین ده کشور مورد بررسی در این منطقه، هیچ‌یک امتیاز ۲ و بالاتر را کسب نکرده‌اند. بالاترین رتبه بین کشورهای این منطقه، مربوط به کشور سوئیس با عدد ۱/۸ است این کشور با اتخاذ سیاست بی‌طرفی در روابط بین‌الملل، زمینه‌های لازم برای توسعه روابط اقتصادی - تجاری با کلیه کشورهای جهان را فراهم ساخته است. اگرچه این کشور عضو هیچ‌یک از سازمان‌های سیاسی بین‌المللی نیست، ولی با میزبانی چندین سازمان بین‌المللی مهم، به‌طور غیرمستقیم در فعالیت این سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه نهادهای مهم مالی و اقتصادی جهان تأثیرگذار است.

کرواسی: کشور کرواسی با رتبه ۱/۷ مقام دوم در این منطقه را دارد. وجود ترکیب مسلمان و کروات و برخی زیرساخت‌های اقتصادی در این کشور، زمینه را برای حضور ایران در شرق اروپا از طریق این کشور را می‌تواند فراهم سازد.

بوسنی و هرزگوین: کشور بوسنی و هرزگوین با ۱/۷ امتیاز دارای ویژگی‌های مشابه کرواسی است، جمعیت این کشور نیز ترکیبی از چند قوم و مذهب است ولی زیرساخت‌های اقتصادی بوسنی نسبت به کرواسی ضعیف‌تر است.

آلبانی: رتبه سوم به کشور آلبانی با ۱/۶ امتیاز تعلق دارد، این کشور با ۳ میلیون نفر جمعیت مسلمان و عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی و ارتباطات فرهنگی و مذهبی با کشور ما، در منطقه مرکز و شرق اروپا برای کشور ما می‌تواند طرف تجاری مناسبی باشد.

کشورهای اروپای شرقی به دلیل مشکلات عمیق اقتصادی و نیاز به کمک‌های دولت‌های غربی، به‌ویژه امریکا، غالباً سیاست خارجی خودشان را با ناتو هماهنگ

می‌کنند و لذا از استقلال رأی در سیاست خارجی به‌ویژه در رابطه با ایران برخوردار نیستند.

مصر: کشور مصر در شمال افریقا نیز با ۲/۴ امتیاز جایگاه برتر را بین کشورهای افریقایی به خود اختصاص داده است. این کشور با جمعیت بالغ بر ۷۶ میلیون نفر و با وسعت حدود یک میلیون کیلومتر مربع در موقعیت جغرافیایی مهمی در شمال شرق قاره افریقا واقع شده است. کشور مصر دارای مردمی با فرهنگ غنی و بینش بالای سیاسی بوده و یکی از مراکز مهم علوم اسلامی جهان اسلام، یعنی دانشگاه الازهر در آن واقع شده است. کشور مصر دارای نفوذ زیادی بر جهان عرب است.

افریقای جنوبی: طبق جدول ۶ کشور افریقای جنوبی با کسب ۲/۴ امتیاز، هم‌تراز با کشور مصر رتبه نخست را در این قاره به خود اختصاص داده است. این کشور اگرچه در قاره فقیر افریقا واقع شده، ولی به دلیل حاکمیت طولانی اقلیت سفیدپوست اروپایی‌الاصل بر آن، از موقعیتی برابر با بسیاری از کشورهای اروپایی از لحاظ سیاسی و اقتصادی برخوردار شده است، و سرمایه‌گذاری‌های بزرگی به‌ویژه در حوزه فناوری پیشرفته (Hi-Tech) توسط کشورهای صنعتی در آن صورت گرفته است.

با پیروزی نلسون ماندلا در نخستین انتخابات آزاد برای تعیین رئیس‌جمهور در تاریخ این کشور که در سال ۱۳۷۳ برگزار شد، می‌توان مدعی شد که نه‌تنها اقتدار سیاسی و اقتصادی این کشور کاهش نیافته، بلکه در برخی زمینه‌ها نیز افزایش یافته است زیرا با حاکمیت دولت ملی در این کشور، گروه زیادی از کشورهای اسلامی و غیرمتعهد از جمله ایران که دولت آپارتاید را تحریم کرده بودند، به عادی‌سازی و توسعه روابط با آن روی آوردند. همچنین دولت فعلی افریقای جنوبی در حال حاضر نه‌تنها در سطح قاره افریقا و سازمان وحدت افریقا جایگاه ممتازی به‌دست آورده است، بلکه در برخی از مسائل بین‌المللی به‌عنوان میانجی حضور می‌یابد. حضور محوری افریقای جنوبی در جامعه توسعه جنوب افریقا (SADC) مرکب از افریقای جنوبی، آنگولا، بوتسوانا، لسوتو، مالاوی، موزامبیک، نامیبیا، سوازیلند، تانزانیا، زامبیا و زیمبابوه کاملاً محسوس است و اکثر کشورهای عضو سازمان

مزبور، از لحاظ اقتصادی و ارتباط جغرافیایی با جهان خارج، وابستگی شدیدی به افریقای جنوبی دارند (پاکدامن، ۱۳۷۵: ۵۵). این کشور نقطه تلاقی دو اقیانوس اطلس و اقیانوس هند بوده است که از این جنبه نیز در روابط بین‌الملل اقتصادی حائز اهمیت است. کشور افریقای جنوبی همچنین در سازمان همکاری‌های منطقه حاشیه اقیانوس هند (IOR-ARC) یکی از اعضای اصلی و صاحب نفوذ تلقی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز به عضویت سازمان مزبور پذیرفته شده است. سازمان مزبور که در حال حاضر ۱۹ کشور حاشیه اقیانوس هند، از جمله استرالیا، هند، افریقای جنوبی، اندونزی و مالزی در آن حضور دارند، در زمینه‌های مختلفی فعالیت دارد که می‌تواند به مجمع مهم بین‌المللی برای توسعه همکاری‌های بین کشورهای عضو تبدیل شود.

از لحاظ ترکیب جمعیت، از ۴۰ میلیون جمعیت این کشور، ۷۵ درصد سیاه‌پوست افریقای، ۱۵ درصد سفیدپوست و ۱۰ درصد مهاجر آسیایی (عمدتاً هندی) هستند. یک میلیون نفر از جمعیت افریقای جنوبی را مهاجران آسیایی به‌ویژه هندی و پاکستانی تشکیل می‌دهد که بخشی از آنها مسلمان هستند. مسلمانان و آسیایی‌ها در جامعه افریقای جنوبی از جایگاه مورد احترامی در عرصه سیاست و اقتصاد برخوردارند. ارتباطات فرهنگی و مذهبی این قشر فعال جامعه افریقای جنوبی با ایران، زمینه مساعدی برای توسعه و تحکیم روابط درازمدت بین دو کشور پدید آورده است. کشور افریقای جنوبی به دلیل قرن‌ها سلطه سفیدپوستان، به شدت از نظر فناوری پیشرفته، به‌ویژه فناوری بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای مورد هدایت و پشتیبانی کشورهای غربی بوده است که این موضوع نیز جنبه دیگری را برای بسط روابط جمهوری اسلامی ایران با این کشور فراهم ساخته است.

از نظر اقتصادی نیز، وجود پالایشگاه‌های نفتی، صنایع بزرگ و نیز بازار بزرگ مصرف در افریقای جنوبی و از طریق آن کشور با راه‌یابی به بازار منطقه جنوبی قاره افریقا با جمعیتی بالغ بر یکصد میلیون نفر، زمینه‌های تجاری و صنعتی بسیار خوبی برای خارجیان ایجاد کرده که بعضی از کشورها (از جمله ترکیه) به سرعت در جهت استفاده از فرصت‌های موجود در افریقای جنوبی حرکت می‌کنند، لذا سرعت عمل ایران در رابطه با بازاریابی در این منطقه گسترده، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. طبق

تحلیل گلدمن ساچز، در صورتی که افریقای جنوبی سیاست‌های صحیحی را اتخاذ کند، این کشور از توان بالقوه بالایی برخوردار است که به نرخ رشد ۵ درصد ظرف ده سال آینده دست یابد (Sachs, 2003). مشکلات اساسی که این کشور با آن مواجه است، عبارتند از: مشکلات اجتماعی به‌ویژه ترکیب جمعیت، گستردگی ایدز و کمبود نیروی کار ماهر.

در مجموع از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی، زمینه‌های همکاری بسیار مساعدی برای جمهوری اسلامی ایران با افریقای جنوبی و حکومت جوان آن وجود دارد که لازمه تحقق آن اتخاذ تصمیمات صحیح و سریع توسط دولت و دستگاه‌های ذی‌ربط است.

سودان: کشور سودان با ۲/۳ امتیاز در جایگاه دوم قرار گرفته است. این کشور با جمعیت ۲۷ میلیون نفر و وسعت ۲/۴ میلیون کیلومتر مربع، منطقه وسیع و مهمی در شمال شرق قاره افریقا را پوشش داده و با هشت کشور، هم‌مرز است. از لحاظ سیاسی نیز حکومت سودان روابط نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران داشته و در بسیاری از موضوع‌های بین‌المللی، مواضع دو کشور به یکدیگر نزدیک بوده است. حکومت سودان تأکید زیادی بر اجرای احکام اسلامی در جامعه دارد، که این موضوع در بین کشورهای اسلامی نادر است.

نیجریه: کشور نیجریه نیز با ۱۴۳ میلیون نفر جمعیت با درصد بالای مسلمان به‌عنوان یک کشور صاحب‌نفوذ در غرب قاره افریقا محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که آن را یک قدرت منطقه‌ای دانسته‌اند، علاوه بر این، این کشور در تصمیم‌های سازمان وحدت افریقا نقش مهمی دارد. این کشور دارای ذخایر غنی نفت بوده و شرکت‌های نفتی زیادی در آن مشغول فعالیت هستند. طی سال ۲۰۰۷، ۸۲ درصد صادرات این کشور را نفت و ۱۵ درصد را LNG تشکیل داده است. نیجریه به‌عنوان عضو اوپک در این زمینه با ایران منافع مشترک داشته و امکان همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در این حوزه وجود دارد.

لیبی: کشور لیبی به‌رغم جمعیت کم ۵ میلیون نفری، به دلیل قدرت بالای اقتصاد متکی به نفت در بسیاری از کشورهای افریقایی و عربی صاحب نفوذ است.

رتبه‌بندی منطقه‌ای کشورهای طرف تجاری ایران بر اساس میانگین شاخص‌های نه گانه^(۴)

قاره آسیا		منطقه شوروی سابق		اتحادیه اروپایی	
کشور	امتیاز نهایی	کشور	امتیاز نهایی	کشور	امتیاز نهایی
چین	۳	روسیه	۳/۱	فرانسه	۲/۸
مالزی	۲/۹	ترکمنستان	۲/۹	آلمان	۲/۷
اندونزی	۲/۹	ازبکستان	۲/۷	ایتالیا	۲/۸
هند	۲/۷	قزاقستان	۲/۶	اتریش	۲/۷
ترکیه	۲/۷	آذربایجان	۲/۲	اسپانیا	۲/۲
عربستان	۲/۴	اوکراین	۱/۶	هلند	۲/۱
ژاپن	۲/۳			بریتانیا	۲/۰
پاکستان	۲/۱				
لبنان	۲/۲				
کویت	۲/۱				
عمان	۲				
قطر	۲				

اروپای شرقی / مرکزی		امریکا - اقیانوسیه		قاره آفریقا	
کشور	امتیاز نهایی	کشور	امتیاز نهایی	کشور	امتیاز نهایی
سوئیس	۱/۸	برزیل	۲/۲	آفریقای جنوبی	۲/۴
کرواسی	۱/۷	امریکا	۲/۲	مصر	۲/۴
بوسنی و هرزگوین	۱/۷	استرالیا	۲/۱	سودان	۲/۳
		ونزوئلا	۱/۸	نیجریه	۲
				لیبی	۲
				تونس	۲

قدرت‌های اقتصادی برتر در جهان آینده

طبق پیش‌بینی تحلیل‌گران اقتصاد بین‌الملل طی پنجاه سال آینده، کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین که به‌اختصار BRICs نامیده شده‌اند، می‌توانند به قدرت‌های بزرگ اقتصادی دنیا تبدیل شوند. تا سال ۲۰۲۵ اقتصاد آنها معادل نصف اقتصاد شش کشور بزرگ صنعتی (G6) شامل امریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ژاپن و ایتالیا



خواهد بود. برای نمونه، اقتصاد هند تا سال ۲۰۳۲ می‌تواند بزرگ‌تر از اقتصاد ژاپن و اقتصاد چین تا سال ۲۰۴۱ بزرگ‌تر از اقتصاد ایالات متحده باشد. در صورتی که در حال حاضر اقتصاد کشورهای BRICs تنها ۱۵ درصد اقتصاد شش کشور صنعتی را تشکیل می‌دهند.

بررسی‌های گلدمن ساچز، نشان می‌دهد که بیشترین نرخ رشد بین کشورهای BRICs متعلق به هند است (Sachs 2003). تحلیل‌گران این جابه‌جایی در قدرت‌های اقتصادی دنیا را غیرقابل تحقق نمی‌دانند و استدلال می‌کنند، کشورهایی همچون ژاپن و آلمان کمتر از نیم قرن پیش در وضعیت بسیار حاد اقتصادی قرار داشته و به‌شدت درگیر بازسازی کشورهايشان پس از خاتمه جنگ جهانی دوم و رساندن آن به وضعیت عادی بودند، ولی اینک در جایگاهی برتر و دست‌کم هم‌تراز کشورهای فاتح یعنی انگلستان و آمریکا قرار دارند.

کشور کره جنوبی نیز تنها حدود ۳۰ سال پیش حرکت از وضعیت کشوری با درآمد کم را آغاز کرده است و در این مدت کوتاه جایگاه خوبی بین کشورهای صنعتی به‌دست آورده است. چین نیز حدود سه دهه پیش، وضعیت مشابهی داشته است. این تحقیق که توسط یکی از نهادهای معتبر اقتصادی بین‌المللی صورت گرفته است نشان می‌دهد، سه قدرت بزرگ اقتصادی آینده جهان یعنی روسیه، هند و چین در قاره کهن آسیا قرار دارند.

نکته مهم دیگر این است که همگی این چهار قدرت برتر آینده یعنی برزیل، روسیه، هند و چین در بررسی این طرح مطالعاتی جایگاه برتر در روابط دوجانبه با ایران را به خود اختصاص داده‌اند. به‌عبارتی، این گروه از کشورها که از لحاظ سیاسی به‌عنوان شریک تجاری بالقوه برای ایران ارزیابی شده‌اند، در معادلات اقتصادی بین‌المللی نیز از جایگاه بالایی در جهان برخوردار خواهند شد. این موضوع لزوم تحکیم برنامه‌ریزی دقیق برای روابط سیاسی - اقتصادی با آنها را می‌طلبد.

همچنین از جدول‌های ارائه‌شده نباید این‌گونه استنباط شود که توجه دیپلماسی تجاری جمهوری اسلامی ایران تنها بایستی به ده یا دوازده کشور با بالاترین رتبه در جهان معطوف شود؛ زیرا لازم است با کلیه مناطق دنیا ارتباط قوی برقرار باشد ولو

اینکه مثلاً رتبه کشور استرالیا و برزیل پایین‌تر از کشورهای هم‌چون اتریش و ازبکستان باشد. لذا باید در مناطق مختلف جهان شرکای تجاری برای کشور شناسایی کرد، به طوری که توزیع جغرافیایی شرکای تجاری، منطقی و تضمین‌کننده منافع ملی ایران باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

■ همان‌گونه که در بند ۲۹ سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است، لازم است از ظرفیت‌های سیاسی برای توسعه روابط بین‌المللی اقتصادی بهره‌برداری شود. این موضوع ارتقای دیپلماسی تجاری را می‌طلبد.

■ روابط سیاسی و روابط اقتصادی، تأثیری متقابل نسبت به یکدیگر دارند، به عبارتی می‌توان از ظرفیت‌های سیاسی برای توسعه روابط اقتصادی و متقابلاً از ظرفیت‌های اقتصادی برای توسعه روابط سیاسی استفاده کرد.

■ صرف‌نظر از ظرفیت‌های بسیار بالای اقتصادی (اعم از صنعتی، کشاورزی، بازرگانی) که در ایران وجود دارد، اگر تنها موقعیت خاص جغرافیایی آن را در نظر بگیریم، مشاهده می‌شود که از این موقعیت خاص و شاید منحصر به فرد می‌توان برای تحکیم منافع ملی در دو بعد سیاسی و اقتصادی بهره گرفت، که این موضوع مستلزم کاربرد دیپلماسی حمل‌ونقل^۱ است. ولی همه اذعان دارند که مزیت کشور ما به این موقعیت جغرافیایی محدود نمی‌شود، بلکه ذخایر عظیم نفت، گاز و مواد معدنی، صنایع بزرگ بخش کشاورزی و بازار بزرگ مصرف داخلی، توسعه روابط اقتصادی با کشورهای مختلف جهان را می‌طلبد.

■ برای رسیدن به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه باید تعامل سازنده و پویا با کشورهای مختلف در گوشه و کنار جهان داشته باشیم، که پیش‌نیاز آن شناخت دقیق از ظرفیت‌های کشورهای مزبور «در حال و آینده» است. این موضوع می‌طلبد که به‌طور مستمر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای جهان پیگیری و تحت نظر قرار گرفته و فهرست کشورهای هدف برای ایران به‌طور مستمر به‌روز شود.

■ برای توسعه مناسبات با کشورهای هدف (اعم از بالفعل و بالقوه) لازم است راینزهای بازرگانی (اقتصادی) کشور به عنوان پل ارتباطی بخش های اقتصادی دو کشور فعال شوند. *

جدول شماره ۱. رتبه بندی کشورهای عضو اتحادیه اروپا (EU) براساس میانگین شاخص های نُه گانه

ICRG (0-100)	میانگین شاخص ها	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	نام کشور
		ثبات قوانین و مقررات	روابط مذهبی با ایران	روابط فرهنگی با ایران	موقعیت جغرافیایی	اقتدار در مجامع بین المللی	نفوذ در مناطق مورد توجه ایران	ثبات سیاسی	پیشن بینی موضع سیاسی در قبال ایران در درازمدت	موضع سیاسی در قبال ایران	
۸۱/۳	۲.۸	۴	۰	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۲	فرانسه
۸۱/۳	۲.۸	۳	۱	۳	۴	۳	۲	۳	۳	۳	ایتالیا
۸۰/۵	۲.۷	۴	۰	۳	۳	۳	۲	۴	۳	۲	آلمان
۸۲/۵	۲.۷	۴	۰	۲	۲	۱	۲	۴	۳	۳	اتریش
۷۹/۵	۲.۲	۳	۰	۲	۱	۳	۱	۴	۳	۳	اسپانیا
۸۶/۵	۲.۱	۴	۰	۱	۲	۳	۱	۴	۲	۲	هلند
۸۳/۳	۲.۰	۴	۰	۱	۱	۳	۳	۴	۲	۲	بریتانیا
۷۸/۵	۱.۸	۴	۰	۲	۱	۱	۰	۴	۲	۲	بلژیک
۸۵/۳	۱.۸	۴	۰	۱	۱	۱	۰	۴	۲	۲	دانمارک
۷۶/۳	۱.۸	۳		۲	۱	۱	۱	۳	۳	۳	یونان
-	۱.۷	۴	۰	۱	۱	۱	۱	۴	۲	۲	لوکزامبورگ
۸۸	۱.۶	۳	۰	۱	۱	۲	۰	۳	۳	۳	ایرلند جنوبی
۸۲/۳	۱.۶	۳	۰	۱	۱	۱	۰	۳	۳	۳	پرتغال
۸۱/۳	۱.۴	۴	۰	۰	۰	۱	۰	۴	۲	۲	سوئد
۸۶	۱.۳	۳	۰	۰	۰	۱	۰	۳	۲	۲	فنلاند

منبع: محاسبات محقق

جدول شماره ۲. رتبه بندی کشورهای شوروی سابق و اوراسیا بر اساس میانگین شاخصهای نه گانه

ICRG (0 - 100)	میانگین شاخص ها	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	نام کشور
		ثبات قوانین و مقررات	روابط مذهبی با ایران	روابط فرهنگی با ایران	موقعیت جغرافیایی	اقتدار در مجامع بین المللی	نفوذ در مناطق مورد توجه ایران	ثبات سیاسی	پیش بینی موضوع سیاسی در قبال ایران در درآمدت	موضوع سیاسی در قبال ایران	
۶۶	۳.۱	۳	۱	۲	۴	۴	۴	۴	۳	۳	فدراسیون روسیه
-	۲.۹	۲	۳	۳	۳	۱	۲	۳	۴	۴	ترکمنستان
-	۲.۷	۲	۳	۳	۲	۱	۳	۳	۳	۳	ازبکستان
-	۲.۶	۳	۲	۳	۳	۱	۲	۳	۳	۳	قزاقستان
-	۲.۲	۲	۳	۳	۲	۱	۳	۲	۲	۲	آذربایجان
-	۲.۰	۱	۳	۳	۱	۰	۲	۱	۳	۳	تاجیکستان
-	۱.۸	۲	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۳	قرقیزستان
-	۱.۷	۲	۰	۱	۱	۱	۱	۳	۳	۳	استونی
-	۱.۷	۲	۰	۱	۱	۱	۱	۳	۳	۳	لتونی
-	۱.۷	۲	۰	۱	۱	۱	۱	۳	۳	۳	لیتوانی
-	۱.۷	۲	۰	۱	۱	۱	۱	۳	۳	۳	مولداوی
-	۱.۶	۲	۰	۱	۲	۲	۱	۲	۳	۲	اوکراین
-	۱.۶	۲	۰	۱	۱	۱	۰	۳	۳	۴	روسیه سفید
-	۱.۶	۲	۰	۳	۲	۰	۱	۲	۳	۲	گرجستان
-	۱.۶	۲	۰	۲	۲	۰	۱	۲	۳	۳	ارمنستان

منبع: محاسبات محقق



جدول شماره ۳. رتبه‌بندی کشورهای قاره آسیا براساس میانگین شاخص‌های نه‌گانه

نام کشور	۱ مواضع سیاسی در قبال ایران	۲ پیش‌بینی مواضع سیاسی در قبال ایران در درازمدت	۳ ثبات سیاسی	۴ نفوذ در مناطق مورد توجه ایران	۵ اقتدار در مجامع بین‌المللی	۶ موقعیت جغرافیایی	۷ روابط فرهنگی با ایران	۸ روابط مذهبی با ایران	۹ ثبات قوانین و مقررات	میانگین شاخص‌ها	ICRG (0-100)
مالزی	۴	۴	۴	۲	۲	۴	۴	۴	۲.۹	۷۶/۳	
اندونزی	۴	۴	۴	۴	۲	۲	۴	۴	۲.۹	۶۶/۳	
ترکیه	۴	۴	۲	۴	۲	۴	۴	۴	۲.۷	۵۲/۳	
هند	۴	۴	۴	۴	۴	۲	۱	۴	۲.۷	۶۸/۸	
عربستان سعودی	۳	۴	۴	۴	۲	۱	۴	۴	۲.۴	۷۶/۸	
ژاپن	۲	۴	۴	۲	۴	۱	۰	۴	۲.۳	۸۷/۳	
لبنان	۳	۴	۲	۴	۱	۲	۲	۲	۲.۲	۶۱/۳	
پاکستان	۳	۴	۲	۲	۱	۳	۲	۲	۲.۲	۶۰/۵	
کویت	۳	۴	۴	۱	۱	۲	۲	۲	۲.۱	۷۶/۵	
عمان	۳	۴	۴	۱	۱	۲	۲	۲	۲.۰	۷۴/۵	
قطر	۳	۴	۴	۱	۱	۱	۴	۲	۲.۰	-	
عراق	۳	۴	۱	۱	۰	۳	۴	۱	۱.۹	۳۲/۳	
امارات عربی متحده	۱	۲	۳	۱	۱	۲	۲	۳	۱.۸	۷۷/۸	
میانمار	۳	۴	۲	۲	۱	۲	۰	۲	۱.۸	۶۱	
یمن	۳	۴	۲	۱	۰	۱	۲	۲	۱.۷	-	
هنگ کنگ	۲	۴	۴	۰	۰	۲	۰	۴	۱.۷	-	
اردن	۱	۲	۲	۲	۰	۱	۲	۲	۱.۶	۷۴/۸	
سنگاپور	۲	۲	۴	۰	۰	۱	۰	۴	۱.۵	۹۲/۵	
تایلند	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۰	۲	۱.۴	۷۱/۳	
فیلیپین	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۰	۲	۱.۳	۷۲/۳	
کره جنوبی	۲	۲	۲	۰	۱	۱	۰	۴	۱.۳	۷۹/۳	
افغانستان	۳	۴	۱	۲	۰	۱	۲	۰	۱.۲	-	
لائوس	۲	۲	۲	۲	۱	۰	۱	۲	۱.۱	-	
سريلانكا	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۱	۲	۱.۱	۶۴/۳	

منبع: محاسبات محقق



جدول شماره ۴. رتبه‌بندی کشورهای قاره امریکا و اقیانوسیه براساس میانگین شاخص‌های نه‌گانه

نام کشور	۱ مواضع سیاسی در قبال ایران	۲ قبال ایران در درازمدت پیش‌بینی مواضع سیاسی در	۳ ثبات سیاسی	۴ نفوذ در مناطق مورد توجه ایران	۵ اقتدار در مجامع بین‌المللی	۶ موقعیت جغرافیایی	۷ روابط فرهنگی با ایران	۸ روابط مذهبی با ایران	۹ ثبات قوانین و مقررات	میانگین شاخص‌ها	ICRG (0-100)
برزیل	۴	۴	۳	۲	۲	۴	۱	۰	۳	۲.۲	۷۱/۳
استرالیا	۲	۳	۴	۲	۴	۰	۰	۰	۴	۲.۱	۸۲/۵
ونزوئلا	۴	۳	۲	۲	۱	۱	۱	۰	۲	۱.۸	۷۰/۸
کانادا	۲	۲	۴	۰	۲	۱	۰	۰	۴	۱.۷	۸۴/۸
مکزیک	۳	۳	۲	۱	۰	۲	۱	۰	۲	۱.۶	۷۰/۸
نیوزلند	۳	۳	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۱.۶	۸۱/۸
پاناما	۲	۲	۲	۱	۰	۳	۱	۰	۲	۱.۵	۷۲/۸
آرژانتین	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۰	۲	۱.۳	۷۵/۵
گواتمالا	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۰	۰	۲	۱.۲	۷۳/۵
کلمبیا	۲	۲	۲	۱	۰	۰	۱	۰	۲	۱.۲	۵۸/۸
اروگوئه	۲	۲	۲	۰	۱	۲	۰	۰	۲	۱.۲	۶۸/۳
شیلی	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۰	۰	۲	۱.۲	۸۰/۳
نیکاراگوئه	۳	۲	۲	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱.۱	۵۲/۸
کاستاریکا	۲	۲	۲	۱	۰	۱	۰	۰	۲	۱.۱	۷۴/۳
اکوادور	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۰	۰	۲	۱.۱	۶۲
جامائیکا	۲	۲	۲	۰	۰	۲	۰	۰	۲	۱.۱	۷۳/۵
پرو	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۰	۰	۲	۱.۰	۶۴/۸
بولیوی	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰.۹	۶۸/۵
پاراگوئه	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰.۹	۷۲/۸
السالوادور	۲	۲	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰.۷	۷۳/۵
هندوراس	۲	۲	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰.۵	۵۹/۵

منبع: محاسبات محقق



جدول شماره ۵. رتبه‌بندی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی براساس میانگین شاخص‌های نُه‌گانه

نام کشور	۱ مواضع سیاسی در قبال ایران	۲ پیش‌بینی مواضع سیاسی در قبال ایران در درازمدت	۳ ثبات سیاسی	۴ نفوذ در مناطق مورد توجه ایران	۵ اقتدار در مجامع بین‌المللی	۶ موقعیت جغرافیایی	۷ روابط فرهنگی با ایران	۸ روابط مذهبی با ایران	۹ ثبات قوانین و مقررات	میانگین شاخص‌ها	ICRG (0-100)
بوسنی و هرزگوین	۴	۴	۲	۰	۰	۲	۲	۲	۲	۱۰۷	-
کرواسی	۴	۴	۲	۱	۰	۲	۲	۰	۲	۱۰۷	-
آلبانی	۲	۴	۲	۰	۰	۲	۲	۲	۱	۱۶	۵۲/۸
لهستان	۳	۴	۳	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۱۰۴	۷۸/۳
اسلواک	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۱۰۱	۷۵/۵
مجارستان	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۱۰۱	۷۵/۸
رومانی	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۱۰۱	۶۰/۳
بلغارستان	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۱۰۱	۵۶/۵
جمهوری چک	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۱۰۱	۷۶/۵

منبع: محاسبات محقق



جدول شماره ۶. رتبه‌بندی کشورهای قاره افریقا براساس میانگین شاخص‌های نه‌گانه

نام کشور	۱ مواضع سیاسی در قبال ایران	۲ قبال ایران در درآمدت پیش‌بینی مواضع سیاسی در	۳ ثبات سیاسی	۴ نفوذ در مناطق مورد توجه ایران	۵ اقتدار در مجامع بین‌المللی	۶ موقعیت -جغرافیایی	۷ روابط فرهنگی با ایران	۸ روابط مذهبی با ایران	۹ ثبات قوانین و مقررات	میانگین شاخص‌ها	
										ICRG (0 -100)	
مصر	۲	۴	۴	۴	۲	۱	۲	۳	۲	۲.۴	۷۱/۳
افریقای جنوبی	۴	۴	۴	۲	۴	۳	۱	۰	۴	۲.۴	۷۳/۸
سودان	۴	۴	۴	۲	۰	۲	۱	۳	۲	۲.۳	۳۷/۵
لیبی	۲	۴	۳	۲	۱	۱	۱	۲	۲	۲.۰	۶۳
نیجریه	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۲.۰	۵۷
تونس	۳	۳	۴	۱	۱	۲	۱	۲	۲	۲.۰	۷۰/۸
سنگال	۳	۳	۲	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۱.۸	۶۴
مراکش	۲	۲	۴	۱	۲	۱	۱	۲	۲	۱.۷	۶۷/۵
الجزایر	۳	۳	۱	۱	۰	۱	۲	۲	۱	۱.۶	۵۹
تانزانیا	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۰	۲	۱.۳	۶۳/۳
گابن	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۰	۲	۲	۱.۳	۷۱/۵
موریتانی	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۰	۲	۲	۱.۲	-
مالی	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۰	۱	۲	۱.۲	۶۱/۵
کنیا	۲	۲	۲	۱	۰	۱	۱	۰	۲	۱.۲	۶۲/۳
نیجر	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۰	۱	۲	۱.۱	-
ماداگاسکار	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۲	۱.۱	۶۱/۸
مالاوی	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۲	۱.۰	۶۶/۵
کامرون	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰.۹	۵۸/۸
چاد	۲	۲	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰.۸	-
اتیوپی	۲	۲	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰.۸	۶۶/۳
سومالی	۲	۲	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰.۸	-
زئیر	۲	۲	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰.۸	-
موزامبیک	۲	۲	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰.۸	۴۸/۵
بوتسوانا	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۴	۲	۰.۸	۸۱
آنگولا	۲	۲	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰.۶	۴۴/۸

منبع: محاسبات محقق



جدول شماره ۷. رتبه‌بندی کلی کشورهای حائز اولویت براساس میانگین شاخص‌های نه‌گانه
(با توجه به منافع ملی جمهوری اسلامی ایران)

رتبه	کشور	امتیاز نهایی	رتبه	کشور	امتیاز نهایی
۱	روسیه	۳/۱	۲	چین	۳
۳	مالزی	۲/۹	۴	اندونزی	۲/۹
۵	ترکمنستان	۲/۹	۶	فرانسه	۲/۸
۷	ایتالیا	۲/۸	۸	آلمان	۲/۷
۹	هند	۲/۷	۱۰	ترکیه	۲/۷
۱۱	ازبکستان	۲/۷	۱۲	اتریش	۲/۷
۱۳	قزاقستان	۲/۶	۱۴	افریقای جنوبی	۲/۴
۱۵	مصر	۲/۴	۱۶	عربستان سعودی	۲/۳
۱۷	ژاپن	۲/۳	۱۸	سودان	۲/۳
۱۹	ایالات متحده امریکا	۲/۲	۲۰	برزیل	۲/۲
۲۱	اسپانیا	۲/۲	۲۲	لبنان	۲/۲
۲۳	آذربایجان	۲/۲	۲۴	بریتانیا	۲/۱
۲۵	کویت	۲/۱	۲۶	هلند	۲/۱
۲۷	پاکستان	۲/۱	۲۸	استرالیا	۲/۱
۲۹	تونس	۲	۳۰	عمان	۲
۳۱	قطر	۲	۳۲	نیجریه	۲
۳۳	لیبی	۲			

منبع: محاسبات محقق



پی‌نوشت‌ها

۱. قاره اروپا را در حال حاضر معمولاً به صورت دیگری طبقه‌بندی می‌گردد و معیار عضویت در اتحادیه اروپایی (EU) و یا عدم عضویت در آن است به نظر این نویسنده طبقه‌بندی مزبور حداقل برای تحقیق حاضر مناسب نمی‌باشد، زیرا با عضویت کشورهایی با سابقه اقتصاد سوسیالیستی و توسعه نیافتگی، اعضا این اتحادیه در حال حاضر در یک سطح از لحاظ توسعه اقتصادی و اجتماعی برخوردار نمی‌باشند. لذا صرفاً عضویت در اتحادیه اروپایی شاخص دقیقی نمی‌تواند باشد. لذا طبقه‌بندی سنتی اروپا به اروپای شرقی و اروپای غربی گویاتر است.

۲. در ادبیات جدید روابط بین‌الملل مجموعه جمهوری‌های شوروی سابق به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص و متمایز کننده آنها از کشورهای آسیایی و یا اروپایی است با نام «اوراسیا» شناخته می‌شوند.

۳. به نظر می‌رسد، این منطقه از ظرفیت‌های لازم برای اطلاق قاره به آن برخوردار نبوده و فقط با اعمال نظر غربی‌ها از لحاظ ژئوپولیتیک از قاره آسیا متمایز شده است، لذا در این قسمت دو کشور واقع در اقیانوسیه جزء کشورهای قاره آمریکا مورد مطالعه قرار گرفته است.

۴. معدل امتیاز کشورها طبق جداول شماره ۳ الی ۶ در این قسمت به‌عنوان امتیاز نهایی و فقط کشورهای با بیشترین امتیاز مورد توجه بوده‌اند.



منابع

الف - فارسی

- ایرانی، لادن. ۱۳۷۱. موضع هند در قبال مسائل اقیانوس هند، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- پاکدامن، رضا. ۱۳۷۳. «افریقای جنوبی، موقعیت امروز و رسالت‌های ما»، مجلس و پژوهش، اسفند.
- پاکدامن، رضا. ۱۳۸۷. حقوق اساسی و ساختار حکومت فدراسیون روسیه.
- فاضل، ماندانا و رضا پاکدامن. ۱۳۷۷. ملاحظاتی درباره توسعه روابط بازرگانی بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- فتحی، یحیی. ۱۳۸۱. «برآورد پتانسیل‌های صادراتی ایران به کره جنوبی براساس شبیه‌سازی الگوی صادرات ایران به مجموعه کشورهای طرف تجاری با استفاده از تقریب مدل TradeSim»، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۵.
- فتحی، یحیی. ۱۳۸۸ الف. دیپلماسی تجاری: اصول و مبانی، عوامل تعیین‌کننده و تجربه کشورهای منتخب، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- فتحی، یحیی. ۱۳۸۸ ب. رتبه‌بندی طرف‌های تجاری (بالفعل و بالقوه) ایران بر مبنای مؤلفه‌های دیپلماسی تجاری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

ب - لاتین

- Barstan, R. P. 1998. *Modern Diplomacy*, 2nd edition, London: Longman.
- EBRD. 1996, *Transition Report*.
- Feketekuty, Gaza. 2007. *Training Professionals in Trade Policy Development: Advocacy and Negotiation - The Training Challenge in Commercial Diplomacy*, <<http://www.commercialdiplomacy.org/articles-news/articles-professionalizing-training.htm>>.
- Berridge, G. R. and A. James. 2001. *A Dictionary of Diplomacy*, Palgrave: Basingstocke.
- Kopp, H. W. 2004. *Commercial Diplomacy and the National Interest*,

- Washington: Business Council for International Understanding.
- Kaufman, Kerry. 2008. "Governance Indicators: Where Are we, Where Should be Going?" *The World Bank Observer*, Vol. 23, No. 1.
- Sachs, Goldman. 2003. "Dreamng with BRICS: the Path to 2050," *Global Eicnomics Paper*, No.99.
- The World Bank. 2003. *The World Development Indicators*, 2003-2008.
- Wolfe, Robert. 1997. *A Strategy for Thailand's Trade Diplomacy*, Kingston, Canada: School of Policy Studies, Queen University, K7L3N6.
- World Bank*, web site: www.worldbank.org/Statistic
- World Ecomic Forum (WEF). 1999. *The Global Competitiveness Report*, Geneva.(www.weforum.org)